

نگرانی از فساد در سکتور ترانسپورت

جمع‌آوری عواید، الکترونیک و بانکی می‌شود



وزارت ترانسپورت می‌گوید که عواید این وزارت به دلیل موجودیت فساد به گونه شفاف و قابل قبول جمع‌آوری نشده است. به گفته مسولان، هنوز هم مشکلات خاصی در بخش جمع‌آوری عواید ترانسپورتی وجود دارد و این وزارت در تلاش است تا با الکترونیک ساختن دروازه‌ها و حذف پول فیزیکی، با فساد مبارزه کند. این وزارت ابزار امیدواری می‌کند که با بانکی شدن عواید ترانسپورتی، فساد در این وزارت کاهش یابد و عواید به گونه شفاف در حساب دولت واریز شود. مسولان معتقد اند که برای بهبود وضعیت ترانسپورت، قانون جاده را ترتیب کرده‌اند که ۹۰ درصد آن تکمیل شده و با ترتیب و تطبیق آن، مشکلات ترانسپورت در کشور حل خواهد شد. وزارت ترانسپورت در حالی از فساد در جمع‌آوری عواید صحبت می‌کند که در سال جاری میلیون‌ها افغانی از عواید این بخش به دلیل شیوع ویروس کرونا کاهش یافته است.

۳



جنگ و مذاکره؛

حکومت، طالبان را مسوول ۹۹ درصد حملات می‌داند

۳

کاهش خشونت

یا خلاقیت در کشتار؟

۴

بازخوانی کودتای بد فرجام ۷ ثور

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ به رهبری مارکسیست - لنینیست‌ها به سنت حکومت‌داری، زعامت و کشمکش‌های خاندان محمدزایی که مدت دو سده ادامه داشت، پایان داد. کودتای هفت ثور توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان است. رژیم تازه کمونیستی مناسبات حاکم بر افغانستان را (حداقل در شهرهای بزرگ) دگرگون کرد.

۴



شیخ جمهوری خواه؛

مردی که مهاجرت را برزنده‌گی در قلمرو طالبان ترجیح داد



مولوی عطالله لودین یکی از اعضای ۲۱ نفره هیات مذاکره‌کننده دولت افغانستان است؛ سیاست‌مداری مذهبی که به گفته خودش در دوران طالبان حتا یک شب و روز را هم در افغانستان سپری نکرده است. او که دخترانش در رشته حقوق و طب از دانشگاه فارغ شده‌اند، باور دارد که آموزش حق مشروع زنان است.

۷

رییس مجلس: طرح یکسان سازی حقوق کارکنان دولت را تا مرحله اجرا پی‌گیری می‌کنیم

اعضای مجلس نماینده‌گان در این نشست گفته‌اند که بودجه سال مالی ۱۴۰۰ که از سوی حکومت تهیه شده است، غیرمتوازن است.

در این نشست تأکید شده است که یکسان حقوق کارمندان به‌شمول ماموران، معلمان، افسران، سربازان، کارمندان قراردادی دولت یک ضرورت است.

میررحمان رحمانی به کمیسیون مالی و بودجه مجلس نماینده‌گان دستور داده است که یکسان سازی معاشات کارمندان دولتی را در بودجه سال مالی ۱۴۰۰ در نظر بگیرد.

رحمانی در نشست روز دوشنبه، گفته است: «مجلس نماینده‌گان در پیوند به یکسان سازی حقوق کارمندان دولت روی طرحی کار کرده و به خاطر تأمین عدالت، تا مرحله‌ی توشیح و تطبیق آن از سوی حکومت آن را به گونه جدی پی‌گیری خواهد کرد.»

طرح یکسازی مدت‌ها پیش از سوی حکومت تهیه و تصویب شده بود، اما اجرایی نشده است. این در حالی است که معاش کارمندان برخی از ادارات بیش‌تر و از شماری از ادارات نیز کم‌تر است.



۸ صبح، کابل: مجلس نماینده‌گان می‌گوید که طرح یکسان سازی حقوق کارمندان دولت را تا مرحله توشیح و تطبیق آن از سوی حکومت پی‌گیری می‌کند.

این مطلب را میررحمان رحمانی، رییس مجلس نماینده‌گان در صفحه‌ی فیس‌بوکش مطرح کرده است.

طرح یکسان سازی حقوق کارمندان دولت در نشست روز دوشنبه، هشتم جدی مجلس نماینده‌گان نیز موضوع بحث بوده است.

لغزش کوه در روستایی در بامیان؛

۱۵ نفر زخمی و آب و برق منطقه قطع شد

۸ صبح، بامیان: مسولان محلی بامیان می‌گویند که شب گذشته در پی لغزش کوه در روستای «دهن غار» ولسوالی حصه دوم یکه‌اولنگ، حدود ۱۵ نفر زخمی و چندین منزل مسکونی تخریب شده‌اند.

رستم علی پناهی، ولسوال حصه دوم یکه‌اولنگ در صحبت با روزنامه ۸ صبح، وضعیت صحتی هشت تن از زخمیان را وخیم خواند و گفت که از این میان، یک نفر که جراحی عمیق داشت، برای رسیده‌گی و درمان بهتر به شفاخانه ولسوالی حصه اول یکه‌اولنگ منتقل شده است. به گفته‌ی وی، وضعیت باقی زخمیان «خوب» است.

ولسوال حصه دوم یکه‌اولنگ هم‌چنان افزود که پنج منزل مسکونی به کلی ویران شده و چندین منزل مسکونی دیگر به گونه‌ی قسمی آسیب دیده است. همین‌طور به گفته‌ی آقای پناهی، بر اثر لغزش کوه، جریان آب و برق باشنده‌گان منطقه نیز قطع شده است.

اما ریاست مبارزه با رویدادهای طبیعی ولایت بامیان می‌گوید که بر اثر این حادثه، نه نفر زخمی شده‌اند که وضعیت یکی از زخمیان وخیم گزارش شده و قرار است برای درمان به مرکز ولایت منتقل شود. محمدامان اخلاقی، سرپرست ریاست مبارزه با رویدادهای طبیعی بامیان به روزنامه ۸ صبح گفت که هیأتی از مرکز ولایت توشیح شده و به زودی به منظور رسیده‌گی به متضرران این رویداد، مواد غذایی و غیرغذایی توزیع خواهد شد.

بامیان در مرکز کشور، یکی از ولایت‌های کوهستانی و برف‌گیر است که همواره در فصل‌های زمستان و اوایل بهار، سرازیر شدن برف کوچک و لغزش کوه و زمین، تلفات انسانی و مالی به بار می‌آورد.

با آنکه حدود ۱۳ ساعت از زمان وقوع این رویداد طبیعی می‌گذرد؛ اما تا همین ساعت، کمک‌های مورد نیاز غذایی و غیرغذایی از مرکز ولایت برای متضرران حادثه ارسال نشده است.

#آریانا از شماس



آریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

انتقال مریضان با خدمات ویژه
به کشور هندوستان

شنبه دو شنبه پنج شنبه

KABUL - DELHI DEP: 10:00 AM Local Time ARR: 01:00 PM Local Time
DELHI - KABUL DEP: 02:30 PM Local Time ARR: 03:30 PM Local Time

1333 07 790 03 (9) + @flyariana.com



فساد در همه جا و در همه کس

دو روز پیش دوتن از اعضای مجلس سنا که برای بررسی یکی از بنادر افغانستان رفته بودند در هنگام گرفتن رشوت از مأموران این بندر گرفتار شدند. روز گذشته رسانه‌ها از استفاده جویی شماری از نزدیکان وزیر صحت کشور گزارش دادند. امسال روزنامه ۸ صبح گزارش‌هایی را نشر کرده که گواه چپاول بی‌رحمانه و بی‌باکانه بیت‌المال است. از گزارش اختلاس بودجه کرونا در شماری از ولایات افغانستان تا گزارش اختلاس نان، تا مقرری‌های پارلمان در گمرکات افغانستان، تا قرض‌داری‌های میلیاردی غضنفر گروه از دولت افغانستان - همه گواه این حقیقت است که دوران ما دوران اوج انحطاط اخلاق جمعی است. شماری از مأموران دولتی هم معاش بلند می‌گیرند، هم کرایه خانه، هم مصارف دسترخوان. این در حالی است که مردم افغانستان در فقر و بیچارگی به سر می‌برند و این ملت محتاج کمک‌های کشورهای دیگر است. آیا لازم است اراکین بلندرتبه دولتی در یک کشور فقیر از کمک‌هایی که باید برای رفع مشکلات روزافزون مردم به مصرف برسد، برای خود زنده‌گی تجملی و شاهانه دست‌وپا کنند؟

روزی نیست که وزیری، وکیلی، پولیسی و... به جرم رشوه‌ستانی، اختلاس یا استفاده ناروا از وظیفه‌اش خبرساز نشود. شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ معاصر، افغانستان تا این اندازه گناه سقوط اخلاقی جامعه نبوده باشد. فساد تا مغز استخوان این جامعه نفوذ کرده است. در سال‌های گذشته شماری از افرادی که از کشورهای غربی به کابل برگشته بودند، بخشی از جامعه افغانستان را با نام‌های گوناگون عامل فساد می‌خواندند، مدتی نگذشت که همین گروه صاحب قدرت شدند، تکنوکرات‌هایی که تصور می‌رفت تحصیلات و تجربه زنده‌گی آن‌ها در کشورهای پیشرفته جهان، راه‌گشای جامعه بلاکشیده افغانستان شود، برعکس نتیجه این جابه‌جایی در اهرم قدرت شگفت‌انگیز بود. این گروه تکنوکرات از غرب آمده روی به اصطلاح جنگ‌سالاران را در فساد و چپاول پول مردم سفید کرد. این افراد تازه به دوران رسیده که شامل رده‌های سنی گوناگون هستند، برای مدتی از این که در بالاترین مقامات حکومت یک کشور پیچیده و فقیری مثل افغانستان گماشته شدند، شگفت‌زده بودند. آن‌ها نیز به سرعت بخشی از سیستم فاسد موروثی شدند و به اندوختن ثروت از راه‌های خلاف قانون مشغول گشتند و شماری پس از مدتی به کشورهایی که از آن به افغانستان آمده بودند، فرار کردند و از هرگونه پیگرد عدلی و قضایی در امان ماندند.

افغانستان به عنوان یک کشور سنتی و پدرسالار همواره به نیروی جوان به دیده شک نگریسته است. جوانان در این وطن با وجود شایسته‌گی‌هایی که داشتند همواره به عنوان ابزار نخبه‌گان سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. حکومت وحدت ملی با شعار جوان‌گرایی برای اولین بار شماری از جوانان را در بالاترین مقامات حکومتی گماشت. این تغییر نسلی رهبری دولت و بروکراسی در میان جوانان افغانستان امیدهای زیادی را زنده کرده بود. تصور عام این بود که حکومت وحدت ملی با همه عیب‌هایش یک حسن دارد و آن تغییر نسلی رهبری بروکراسی افغانستان است.

اما این فرصت که باید از آن برای احیای اعتماد نسبت به نسل جوان افغانستان استفاده می‌شد، به عنوان یک فرصت برای خدمت‌گزاری صادقانه جوانان از دست رفت. جوانان حلقه رهبری این حکومت بیش از آن که در پی نمایش شایسته‌گی‌های یک نسل جوان و تحصیل کرده باشند، مشغول جنگ قدرت و منازعات درون‌گروهی شدند. شماری از این جوانان نیز متهم به دست‌داشتن در انواع و اقسام استفاده جویی‌ها از مقام‌شان اند. این گروه جوان تازه به قدرت رسیده که یک عمر بخش‌هایی از جامعه را به نام جنگ‌سالار و بقایای جنگ داخلی متهم به فساد علاج‌ناپذیر می‌کردند و تغییر این نخبه‌گان را تنها راه علاج بدبختی مردم افغانستان می‌دانستند، هنگامی که خود به قدرت رسیدند، نتوانستند در برابر وسوسه ثروت و حرص قدرت مقاومت کنند و خود به همان چیزی مبدل شدند که از آن زمانی با تلخی انتقاد می‌کردند.

این جوانان که دست سرنوشته، یک ملت فقیر را به دست آن‌ها سپرده بود، به جای آن که دردها و رنج‌های یک ملت مایه عزت نفس، فروتنی و خدمت‌گزاری صادقانه آن‌ها می‌شد، برعکس هر کدام در قیمت‌ترین خانه‌های شهر مسکن‌گزین شدند و در شهری که میلیون‌ها فقیر محتاج نان شب‌اند، به زنده‌گی تجملی و اشرافی رو آوردند و مردم و رسالت نسلی‌شان را به باد فراموشی سپردند.

این چه کشوری است که هر که در آزمون خدمت‌گزاری قرار می‌گیرد، سربلند و روسپید برون نمی‌آید و در گنداب فساد و استفاده جویی غرق می‌شود.

افغانستان در میان پنج کشور مرگ‌بار برای روزنامه‌نگاران قرار گرفت



۸ صبح، کابل: سازمان گزارشگران بدون مرز با نشر بخش دوم گزارش سالانه خود افغانستان را در جمع پنج کشور مرگ‌بار در جهان برای روزنامه‌نگاران قرار داده است. طبق این گزارش، مکزیکو، عراق، افغانستان، هند و پاکستان پنج کشوری مرگ‌بار در سال جاری میلادی برای روزنامه‌نگاران شناخته شده‌اند.

بخش دوم گزارش سالانه سازمان گزارشگران بدون مرز روز سه‌شنبه، نهم جدی منتشر شد. بخش اول این گزارش که در ۲۴ قوس نشر شده بود، زندانی بودن نزدیک به ۳۸۷ خبرنگار در سراسر جهان را همه‌گانی کرده بود.

بخش دوم گزارش سالانه گزارشگران بدون مرز در مورد خشونت و بدرفتاری علیه خبرنگاران است. سازمان گزارشگران بدون مرز می‌گوید که در سال ۲۰۲۰ میلادی ۵۰ خبرنگار در سراسر جهان کشته شده‌اند. شمار بیش‌تر این خبرنگاران در کشورهای در «حال صلح» کشته شده‌اند.

سازمان گزارشگران بدون مرز گزارش داده است که در سال ۲۰۱۹ میلادی ۵۳ خبرنگار در جهان کشته شده بودند. ۵۰ مورد قتل خبرنگاران از اول جنوری تا ۱۵ ماه

برف کوچ در دایکندی جان چهار کودک را گرفت



۸ صبح، بامیان: مقام‌های محلی در ولایت دایکندی می‌گویند که سرازیر شدن برف‌کوچ در روستای «خارزار» ولسوالی کیتی این ولایت، جان چهار کودک را گرفته است.

غیرت علی جوهری عضو شورای ولایتی دایکندی به روزنامه ۸ صبح گفت که این کودکان در راه رفتن به طرف مرکز آموزشی زمستانی، زیر برف‌کوچ شده‌اند. آقای جوهری افزود که شمار این دانش‌آموزان حدود پانزده نفر بوده اند و بقیه از این

چهار نفر از «نزدیکان وزیر صحت عامه» به اتهام مطالبه رشوت بازداشت شدند

۸ صبح، کابل: چهار نفر از نزدیکان وزیر صحت عامه به اتهام مطالبه رشوت از کارمندان وزارت صحت عامه از سوی امنیت ملی و دادستانی کل بازداشت شده‌اند.

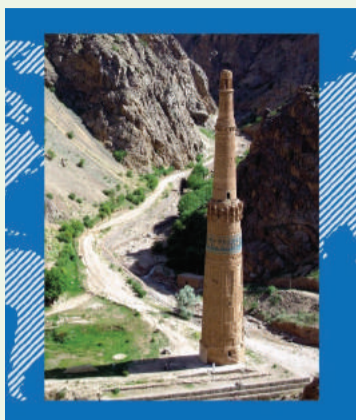
یک منبع معتبر دولتی به روزنامه ۸ صبح گفت که یکی از بازداشت‌شده‌گان برادر و دومی داماد و یا پسر کاکای احمدجواد عثمانی، وزیر صحت عامه است. دو بازداشتی دیگر نیز از مشاوران وزیر صحت عامه گفته شده است.

جمشید رسولی، سخنگوی دادستانی کل در ویدیویی اما می‌گوید که چهار تن از مربوطات وزارت صحت عامه به اتهام مطالبه رشوت از سوی دادستانی کنترل و مراقبت در هم‌آهنگی با ریاست امنیت ملی بازداشت شده‌اند.

او گفت که بازداشت‌شده‌گان تحت توقیف هستند و موضوع از سوی دادستانی بررسی و تحقیق می‌شود.

جمشید رسولی گفت که دادستانی اطمینان می‌دهد که این موضوع را با بی‌طرفی و به صورت

منار جام غور ثبت آثار میراث‌های فرهنگی جهان اسلام شد



۸ صبح، کابل: وزارت امور خارجه خبر داده است که منار جام در ولایت غور ثبت آثار میراث‌های فرهنگی جهان اسلام شد.

این وزارت روز سه‌شنبه، نهم جدی در اعلامیه‌ای گفته است که کمیته میراث‌های فرهنگی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی جهان اسلام (آیسیسکو) در جریان سومین اجلاس فوق‌العاده خود با ثبت منار جام در فهرست میراث‌های فرهنگی جهان اسلام موافقت کرده است.

این نشست در دهم ماه دسامبر برگزار شده است.

طبق اعلام وزارت خارجه، در جریان سومین اجلاس فوق‌العاده این کمیته، پس از ارزیابی و مرور پرونده‌های پیشنهادی کشورهای عضو سازمان آیسیسکو، ۲۲ اثر فرهنگی از شش کشور اسلامی (امارات متحده عربی، افغانستان، یمن، فلسطین، مراکش و عمان) مورد قبول قرار گرفته است.

منار جام در سال ۲۰۰۲ میلادی در فهرست میراث‌های فرهنگی جهانی سازمان یونسکو شامل شده بود.

وزارت خارجه می‌گوید که منار جام اثر فرهنگی کشور است که شامل فهرست میراث‌های فرهنگی جهان اسلام شده است. به گفته وزارت خارجه، این دستاورد مهم در راستای تقویت وجه ملی، حفظ و مرمت آثار فرهنگی کشور در سطح بین‌المللی، و تقویت پالیسی دولت در عرصه‌های دیپلماسی فرهنگی از اهمیت فراوان برخوردار است.

کاشت و حاصلات برنج امسال حدود ۱۵ درصد بیش تر شده است

۸ صبح، کابل: یافته‌های یک گزارش مشترک وزارت زراعت، آبیاری و مالداري و اداره ملی احصاییه و معلومات نشان می‌دهد که کاشت و برداشت برنج در کشور در سال ۱۳۹۹ نسبت به ۱۳۹۸، حدود ۱۵ درصد افزایش یافته است.

این گزارش از سوی وزارت زراعت و اداره ملی احصاییه و معلومات زیر نام «گزارش تولید برنج سال ۱۳۹۹» تهیه شده است. وزارت زراعت گفته است که این گزارش با استفاده از آمارگیری‌های خاص تهیه شده است.

طبق این گزارش، حاصلات برنج در سال گذشته ۳۸۳ هزار تن بوده است، اما بر اساس گزارش سروی‌های جدید، در سال روان، با افزایش ۵۷ هزار تنی، به ۴۴۰ هزار تن رسیده است.

در این گزارش آمده است که شالی‌زارهای کشور در سال گذشته ۱۲۸ هزار هکتار گزارش شده بود، در حالی که بر اساس سروی جدید، امسال کشت‌زارهای شالی با افزایش ۱۹.۵ هزار هکتاری، به ۱۴۷.۵ هزار هکتار رسیده است.

وزارت زراعت می‌گوید که این سروی به چند روش، از جمله دریافت ساحات تحت کشت شالی توسط «ریموت سنسنگ» یا سنسج از دور در ۱۲۶ ولسوالی ۱۹ ولایت، مصاحبه با دهقانان و قطع نبات شالی و نمونه‌گیری از حاصلات انجام یافته است. آمارگیری یادشده تمامی زمان کاشت و برداشت شالی، که حدود پنج ماه می‌شود را در بر گرفته است.



جنگ و مذاکره؛

حکومت، طالبان را مسوول ۹۹ درصد حملات می داند

مسوولان در نهادهای امنیتی می گویند که در جریان سال روان، ۱۸ هزار و ۲۰۰ حمله در سراسر کشور انجام شده که ۹۹ درصد آن را طالبان سازمان دهی کرده اند. به گفته مقامها، در



حسب بهش

این جریان سه هزار و ۶۰۰ تن در پیوند به حملات تروریستی بازداشت شده اند که از این میان، ۲۷۰ تن در ترورهای هدفمند و هفت تن در سازمان دهی حملات انتحاری نقش داشته اند. به باور وزارت امور داخله، طالبان جنگ را برای کسب امتیاز در مذاکرات شدت بخشیده اند و پس از دفاع نیروهای امنیتی، به ترورهای هدفمند و تعیبه مابین های مقتضایی روی آورده اند. طالبان هر چند حملات شان بر اهداف نظامی را تایید می کنند، اما می گویند که ترور فعالان جامعه مدنی و رسانه ای به آنان هیچ ربطی ندارد. پیش تر منابع در هیأت مذاکره کننده دولت گفتند که ترورهای روزهای اخیر ربط مستقیم به روند صلح دارد و یک سازمان استخباراتی کشور همسایه برای تخریب این روند آستین بر زده است.

همزمان با افزایش ترورها در شهر کابل و برخی دیگر از شهرها، مجلس سنا محمد مسعود اندرابی، وزیر امور داخله و احمدضیا سراج، رییس عمومی امنیت ملی را برای پاسخ گویی به نشست عمومی روز سه شنبه، نهم جدی، فرا خواند. مسعود اندرابی، وزیر امور داخله، در این نشست گفت که گروه طالبان حملاتش را برای کسب امتیاز در میز مذاکره شدت بخشیده است. به گفته اندرابی، هدف جنگ جویان طالبان از این حملات، سقوط قندهار، هلمند و برخی دیگر از شهرها بود، اما نیروهای امنیتی در برابرشان مقاومت کرده اند. او افزود که پس از این کار، طالبان به ترورهای هدفمند و تعیبه مابین های مقتضایی روی آورده اند.

احمدضیا سراج، رییس عمومی امنیت ملی، نیز می گوید که طالبان برای تصرف مناطقی در کشور



تلاش کرده، اما از سوی نیروهای امنیتی با شکست روبه رو شده اند. او گفت که در سال جاری ۱۸ هزار و ۲۰۰ حمله در کشور انجام شده است که ۹۹ درصد آن از سوی گروه طالبان صورت گرفته است. به گفته سراج، افزایش حملات در پایتخت از «شکست گروه طالبان در جبهات جنگ» نشأت می گیرد و بیش تر قربانیان آن را غیرنظامیان تشکیل می دهند. او افزود، در جریان سال جاری سه هزار و ۶۰۰ تن در پیوند به قضایای تروریستی بازداشت شده اند که از این میان، ۲۷۰ تن در ترورهای هدفمند و هفت تن در سازمان دهی حملات انتحاری دست داشته اند. این افراد در حالی بازداشت می شوند که حدود چهار ماه پیش، بیش از شش هزار زندانی طالبان از زندان های حکومت آزاد شدند.

سراج هم چنان گفت که عملیات مشترک تصفیه ای در مربوطات حوزه یازدهم شهر کابل دست آوردهایی داشته است، اما همه بازداشت شده گان افغان بوده اند و هیچ شهروند خارجی در میان آنها وجود ندارد. او اما تصریح کرد که در «آینده نزدیک» جزییاتی را در مورد گرفتاری یک شبکه چینیایی در اختیار شهروندان قرار می دهد. با این حال، احمدضیا سراج گفت که «شواهد انکارناپذیر و کافی» در مورد وجود پایگاه های طالبان در پاکستان وجود دارد. به باور او، طالبان تصمیمی برای آوردن صلح ندارند و زیر نام دوام مذاکرات «وقت کشی» می کنند. او هم چنان افزود که سه تن را در پیوند به ترور یمایاوش و چهار مظنون را در پیوند به ترور فرشته کوهستانی بازداشت کرده اند، اما بررسی قضیه حمله بر خان محمد وردک، عضو مجلس نماینده گان، پیش رفتی نداشته است.

امنیت ملی، یک گروه در ولایت لوگر زیر نام «کاروان عبیده» تشکیل شده و خبرنگاران، فعالان جامعه مدنی، وسایط دولتی و بزرگان را هدف قرار می دهد. طالبان هر چند می گویند که حملات شان بر مواضع نظامی سازمان دهی می شود، اما مسوولیت ترورهای هدفمند را نمی پذیرند. ذبیح الله مجاهد، سخنگوی این گروه، گفت که هدف گرفتن غیرنظامیان، خبرنگاران، فعالان مدنی و چهره های سیاسی ربطی به طالبان ندارد. با این حال او افزود که ترور افراد نظامی کار جنگ جویان این گروه است و آنها افراد نظامی را به شیوه های گوناگونی هدف قرار می دهند.

این در حالی است که براساس توافق نامه دوحه، گروه طالبان باید حملاتش را کاهش می داد. هر چند طالبان گفته اند که حملات شان بر شهرها متوقف شده است، اما پیش تر وزارت امور داخله تصریح کرده بود که تنها در جریان دور اول مذاکرات (سه ماه اخیر) دست کم ۵۰۰ غیرنظامی کشته شده اند. دو طرف در حالی از خشونت صحبت می کنند که قرار است هیأت های مذاکره کننده دولت و طالبان تا یک هفته دیگر دوباره به میز مذاکرات بازگردند. هیأت دولت از آتش بس به عنوان اولویت خود در اجندای مذاکرات نام می برد، اما به گفته اعضای هیأت مذاکره کننده دولت، طالبان آتش بس را به عنوان آخرین گزینه در اجندا پیشنهاد کرده اند. این اختلاف در حالی شکل می گیرد که عالمان دین در داخل و خارج از کشور بر توجیه نشدن خشونت ها در افغانستان تأکید دارند و خواستار برقراری آتش بس شده اند.

نگرانی از فساد در سکتور ترانسپورت؛

جمع آوری عواید، الکترونیک و بانکی می شود

موتورهای کهنه و دودزا متوقف می شود

وزیر ترانسپورت هم چنان گفت که اتحادیه ها و شرکت های ترانسپورتی در کشور غیرمعیاری اند و این وزارت تلاش می کند تا آنها را در چوکات قانون ترانسپورت تنظیم کند. آقای ذکی گفت، اتحادیه هایی که در کشور فعالیت می کنند، باید به استانداردهای ملی و بین المللی برابر شود. او گفت که در این راستا مکانیزم خوبی وجود دارد و تلاش می شود که این شرکت های ترانسپورتی و اتحادیه ها براساس آن تنظیم شوند. در کنار این، آقای ذکی خاطرنشان کرد که این وزارت در بخش مصونیت تخنیکی وسایط ترانسپورتی نیز برنامه دارد. او گفت که برای جلوگیری از آلودگی هوا، در نظر دارد موتورهای فرسوده، کهنه و دودزا را از چرخه ترافیک بیرون کند.

از سویی هم، وزارت ترانسپورت می گوید که برای مصونیت ترانسپورت جاده ای، بورد ملی ایجاد می کند. وزیر ترانسپورت ایجاد این بورد را برای جلوگیری از حوادث ترافیکی مهم خواند و گفت که در حال حاضر به دلیل نبود یک مکانیزم معین، تلفات ناشی از حوادث ترافیکی به مراتب بیش تر از حملات انتحاری و انفجارها است. او هر چند آمارهای از تلفات حوادث ترافیکی ارائه نکرد، اما بیان کرد که سالانه صدها تن در اثر این حوادث در شاهراه ها کشته می شوند. آقای ذکی گفت که وزارت ترانسپورت در تلاش است که جلو این حوادث را بگیرد تا مسافران بتوانند با مصونیت به ولایات سفر کنند.

وزیر ترانسپورت از سیستم ترانسپورت شهری نیز انتقاد کرد و گفت که در داخل شهرها ترانسپورت منظم وجود ندارد. وزیر ترانسپورت بیان کرد که برای تنظیم ترانسپورت شهری، مطالعات شان را آغاز کرده اند و دیدگاه و نظریات کشورهای ترکیه و جاپان را نیز در این بخش گرفته اند تا بتوانند ترانسپورت شهری را منظم کنند.

این در حالی است که سال گذشته ریاست محیط زیست کابل نیز یک برنامه زیر نام «کوتاژ» راه اندازی کرد. این ریاست گفته بود که برای جلوگیری از آلودگی هوا، موتورهای دودزا را به کمک ریاست ترافیک شناسایی و از چرخه ترافیک بیرون می کند.

در بخش عواید، فساد زیاد وجود دارد. مکانیزم هایی ایجاد می کنیم که جلو فساد را بگیریم و عواید کافی در خزانه دولت داشته باشیم.» علاوه بر این، وی تصریح کرد که برای مبارزه با فساد در این وزارت، ریفورم اصلاحی را در نظر گرفته است. قدرت الله ذکی گفت که تشکیلات این وزارت باید جوابگو و مبتنی به نیازهای این وزارت باشد. او گفت در نظر دارد که کارمندان مسلکی و تخصصی را در این وزارت استخدام کند تا فساد کاهش یابد. وزیر ترانسپورت تصریح کرد: «فساد یک بدنامی کلان در مقابل حکومت است؛ این که [چطور می توانیم با آن مبارزه کنیم. یگانه راه حلش، ریفورم و اصلاحات است.»

وزارت ترانسپورت در حالی گفته است عواید به صورت شفاف جمع آوری نمی شود که این وزارت در سال جاری به دلیل تطبیق طرح قرنطین، زیان مالی زیادی دیده است. پیش از این مسوولان وزارت ترانسپورت گفته بودند که عواید برج حمل سال گذشته ترانسپورت جاده بیش از ۱۵۶ میلیون افغانی بود که در حمل سال جاری این رقم به حدود ۸۸ میلیون افغانی کاهش یافته است. این آمار کاهش ۷۲ میلیون افغانی را نسبت به سال گذشته نشان می دهد.

مشکلات و ضرورت های اداره ترانسپورت آماده شود. آقای ذکی گفت که در ترتیب مواد این قانون، قانون دانان از وزارت عدلیه به عنوان مشاور خواسته شده تا یک قانون جامع را طرح و ترتیب کنند. او گفت که طرح قانون تنظیم ترانسپورت جاده ای، ۹۰ درصد تکمیل شده و تلاش ها جریان دارد تا هرچه زودتر این قانون ترتیب و تطبیق شود. وزیر ترانسپورت ابراز امیدواری کرد که با تطبیق این قانون، بخش بزرگی از مشکلات ترانسپورتی حل شود.

از سوی دیگر، وی از موجودیت فساد در این وزارت به ویژه در بخش جمع آوری عواید انتقاد کرد و گفت که عواید به صورت آن چنانی که باید جمع شود، نمی شود. او گفت که در بخش جمع آوری عواید، هنوز هم مشکلات خاصی وجود دارد و عواید به صورت شفاف جمع آوری نمی شود. قدرت الله ذکی افزود که برای محو فساد در این بخش، تلاش ها جریان دارد و این وزارت قصد دارد که برای مبارزه با آن، سیستم جمع آوری عواید را الکترونیک و بانکی بسازد. به باور او، این روند می تواند در گردآوری عواید موثر واقع شود، زیرا در صورت نبود پول فیزیکی، فساد صورت نمی گیرد. او گفت: «برای ما مهم است که عواید را جمع کنیم.»

وزارت ترانسپورت می گوید که عواید این وزارت به دلیل موجودیت فساد به گونه شفاف و قابل قبول جمع آوری نشده است. به گفته مسوولان، هنوز هم مشکلات خاصی در بخش جمع آوری عواید ترانسپورتی وجود دارد و این وزارت در تلاش است تا با الکترونیک ساختن دروازه ها و حذف پول فیزیکی، با فساد مبارزه کند.

این وزارت ابراز امیدواری می کند که با بانکی شدن عواید ترانسپورتی، فساد در این وزارت کاهش یابد و عواید به گونه شفاف در حساب دولت واریز شود. مسوولان معتقد اند که برای بهبود وضعیت ترانسپورت، قانون جاده را ترتیب کرده اند که ۹۰ درصد آن تکمیل شده و با ترتیب و تطبیق آن، مشکلات ترانسپورت در کشور حل خواهد شد. وزارت ترانسپورت در حالی از فساد در جمع آوری عواید صحبت می کند که در سال جاری میلیون ها افغانی از عواید این بخش به دلیل شیوع ویروس کرونا کاهش یافته است.

مسوولان در وزارت ترانسپورت می گویند که فساد به این سکتور رخنه کرده و بخشی از عواید به گونه شفاف جمع آوری نشده است. قدرت الله ذکی، وزیر ترانسپورت، روز سه شنبه، نهم جدی، در یک نشست خبری زیر نام «تحلیل محیطی جهت تهیه پلان استراتژیک وزارت ترانسپورت برای سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۴ خورشیدی»، وضعیت ترانسپورتی در کشور را «نگران کننده» توصیف کرد و افزود که این وزارت در تلاش است تا برای رفع آن یک راه حل ایجاد کند. به گفته او، در جریان چهار ماه گذشته تلاش شده است تا یک «قانون جامع و جوابگو» به همه



عبدالاحمد حسینی





حبیب حیدزاده

بازخوانی کودتای بد فرجام ۷ ثور

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ به رهبری مارکسیست – لنینیست‌ها به سنت حکومت‌داری، زعامت و کشمکش‌های خاندان محمدزیایی که مدت دو سده ادامه داشت، پایان داد. کودتای هفت ثور توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان است. رژیم تازه کمونیستی مناسبات حاکم بر افغانستان را (حداقل در شهرهای بزرگ) دگرگون کرد. اما این رژیم برآمده از کودتا و سبک‌سری عده‌ای از رهبران حزب دموکراتیک خلق، نتوانست فضای آرام سیاسی و اجتماعی را در سراسر کشور برقرار سازد. شیوه سیاست‌ورزی این حزب باعث شد که مقاومت سراسری علیه «کمونیسم و بی‌خدایی» آن شکل بگیرد. هم‌چنان اعلام وفاداری این حزب به اردوگاه سوسیالیسم و تبعیت بی‌چون و چرای آن از سیاست شوروی باعث شد که اردوگاه غرب، به خصوص ایالات متحده امریکا و کشورهای اسلامی با پول و سلاح به کمک دشمنان آن یعنی مجاهدین بیاید.

سردار محمد داوود که به کمک نیروهای طرف‌دار شوروی به قدرت رسیده بود، به مرور زمان به کشورهای عربی و غرب تمایل پیدا کرد. چون قبلاً روس‌ها نگران گسترش نفوذ امریکا در جنوب آسیا بودند، تمایل داوود خان به غرب و کشورهای عربی، روس‌ها را سراسیمه ساخت. برای همین، همان نظامیانی که در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ رژیم سلطنتی ظاهرشاه را از پای درآورده بودند، در بامداد هفت ثور ۱۳۵۷ خورشیدی رژیم داوود خان را سرنگون کردند. بیش‌تر رهبران حزب در روز کودتا در زندان دولت داوود خان بودند. وقتی زندان‌بان دولت داوود خان دست‌های بسته‌شده تره‌کی را باز کرد و گفت «انقلاب مبارک باشد!» تره‌کی پرسید: «کدام انقلاب؟ این شلیک‌ها از طرف کیست؟ از طرف ما است یا از طرف دولت؟ برما است یا از ما؟» عین سخنان را دیگر رهبران حزب هنگام آزادی خود از زندان گفتند.

جنرال عبدالقادر که بعدها وزیر دفاع حکومت ببرک کارمل شد، یکی از نظامیان مورد اعتماد سردار داوود خان بود. او در کودتای ۱۳۵۲ با سردار داوود همراه بود. برای همین سردار داوود او را مسوول قوای هوایی کشور تعیین کرد. اما او در سال ۱۳۵۷رهبری عملیات علیه داوود خان را نیز بر عهده داشت. او در کتاب خاطراتش تذکر می‌دهد که در بیست‌وچهار ساعت بعد از کودتا علیه داوود خان به این نتیجه رسیدم که مرتکب خطا و خیانت شده‌ام و بنا بر همین ملحوظ می‌خواستم رهبران حزب دموکراتیک خلق

را دست‌گیر کنم و از بین ببرم. او بعد از مدتی قدرت را به تره‌کی و امین تسلیم کرد. اما ترس از کودتای دیگر از سوی او در نزد امین و تره‌کی هم‌چنان پابرجا بود. او به دستور تره‌کی و حفیظ الله امین به جرم کودتا علیه حکومت تازه روی کار آمده حزب دموکراتیک خلق افغانستان تا دوران به قدرت رسیدن ببرک کارمل زندانی شد.

بعد از به قدرت رسیدن مجاهدین، احمدشاه مسعود از او تقاضا کرد که در وزارت دفاع با دولت هم‌کاری کند. اما او از کار در حکومت مجاهدین ابا ورزید. او به احمدشاه مسعود گفته بود که حضور یک کمونیست در اداره مجاهدین به ضررش تمام می‌شود. جنرال قادر روزی بدون در جریان‌گذاشتن احمدشاه مسعود به مزار شریف رفت و در نظر داشت از آن راه از کشور خارج شود. اما نیروهای جنرال دوستم او را از روضه شریف به پیش جنرال دوستم بردند. شاید احمدشاه مسعود از دوستم تقاضا کرده بود که جنرال قادر نباید از کشور خارج شود. جنرال دوستم او را در یک هواپیمایی که پر از گوسفند زنده بود، دوباره به کابل فرستاد.

در همان روزهای نخست کودتا، دشمنان مسلح آن، قیام عمومی راه انداختند. در سال ۱۹۷۹ رژیم کمونیستی خودش را مواجه با جنگ و شکست می‌دید. در همان سال، رژیم کنترل خودش را در تمام قلمرو مجاهدین از دست داده بود و تقریباً ۵۰ درصد نیروهای ارتش ترک وظیفه کرده و با سلاح و تجهیزات‌شان به مجاهدین پیوسته بودند. بیش‌تر از ۴۰۰۰۰ مجاهد از خاک پاکستان در درون افغانستان با ارتش رژیم می‌جنگیدند که این معادل تمام سربازان رژیم کابل بود. اوضاع داشت از کنترل دولت خارج می‌شد که اردوی نمبر ۴۰ شوروی با ۷۵۰۰۰ سرباز از زمین و هوا وارد افغانستان شد. (صیقل، ۱۳۹۴: ۳۹۷). تعداد مشاوران شوروی در سال ۱۹۷۹ به ۲۰۰۰ نفر می‌رسید. این مشاوران در تمام واحدهای نظامی ارتش جابه‌جا و تصمیم‌گیرنده اصلی امور بودند. (همان، ۳۹۲). بعد از پیروزی کودتا و قدرت‌گرفتن حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رژیم کابل با برژنف «پیمان دوستی» عقد کرد. اصل چهارم پیمان دوستی میان تره‌کی و برژنف، هم‌کاری‌های نظامی بود. برای همین در فردای عقد پیمان دوستی، شوروی فرستادن تجهیزات نظامی و مشاوران سیاسی‌اش را آغاز کرد.

در مورد دلیل کودتا و تهاجم شوروی به افغانستان، نظریه‌های زیادی مطرح شده است که به برجسته‌ترین

کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ به رهبری مارکسیست – لنینیست‌ها به سنت حکومت‌داری، زعامت و کشمکش‌های خاندان محمدزیایی که مدت دو سده ادامه داشت، پایان داد. کودتای هفت ثور توسط حزب دموکر اتیک خلق افغانستان یکی از تأثیرگذارترین رویدادهای تاریخ معاصر افغانستان است.

آن‌ها در ذیل اشاره می‌شود:

به باور برژینسکی، مشاور امنیتی رییس جمهوری وقت امریکا، ایالات متحده می‌خواست هر طور شده پایش را به افغانستان بکشاند، با استفاده از این روس‌ها را دلیل بسازد و آن‌چه را که روس‌ها در ویتنام بر سر امریکایی‌ها آوردند، در افغانستان به روس‌ها برگرداند.

به باور امین صیقل، تجاوز شوروی به افغانستان به دنبال یک دوره طولانی از فعالیت و مداخلات روس‌ها در افغانستان رخ داده است. زمینه حضور روس‌ها در افغانستان بر اساس یک سلسله تحولات غیرقابل پیش‌بینی و اقدامات نادرست رهبران افغانستان فراهم شده بود و خطر تعویض‌شدن رژیم کابل به یک رژیم اسلامی در اثر کارها و سیاست‌های ناشیانه حفیظ الله امین که نتیجه افتادن افغانستان در مسیر کشورهای عربی و غربی بوده، شوروی را وادار به تهاجم به افغانستان کرده است. (صیقل، ۱۳۹۴: ۴۰۱).

اما یعقوب ابراهیمی در نوشته زیر عنوان «تهاجم شوروی به افغانستان و رویای رسیدن به آب‌های گرم: دو پدیده بی‌ربط» این عوامل را در تهاجم شوروی به افغانستان وارد می‌داند:
دکترین برژنف، نگرانی‌های امنیتی: هراس از پاکستان و ایران، نگرانی از گسترش نفوذ چین، نگرانی از بلندپروازی‌های امریکا و شدت تحولات در داخل افغانستان.

به باور آقای ابراهیمی «.. حمله ارتش سرخ به افغانستان به طور محض ناشی از نگرانی‌ها و اولویت‌های استراتژیک مسکو در پرتور پراگماتیسم سیاسی حاکم در دولت برژنف بوده، رویاهای تاریخی و حتا ایدئولوژیک در آن نقش چندانی نداشت… نگرانی‌های استراتژیک و امنیتی شوروی از تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و هم‌چنان تعهدات مسکو به کشورهای هم‌سو با شوروی برای حفظ حیثیت اردوگاه سوسیالیسم که در چارچوب دکترین برژنف مطرح شده بود، محرک اصلی پیش‌روی ارتش سرخ به خاک افغانستان بود.»

بر اساس این دیدگاه، حمله شوروی به افغانستان یک «تحرک دفاعی» در مقابل تحركات اردوگاه غرب ارزیابی می‌شود. زیرا عمده‌ترین دغدغه و برنامه اتحاد جماهیر شوروی در اواخر دهه هفتاد حفظ وضع موجود و توازن قدرت بین‌المللی بود. اتحاد جماهیر شوروی پیش‌روی ایالات متحده امریکا در جنوب آسیا، شرق مدیترانه و عربستان را به معنای برهم خوردن توازن قدرت می‌دانست و برای جبران آن به افغانستان حمله کرد. (نگاه شود به مقاله یعقوب ابراهیمی).

بر اساس دکترین برژنف که از دید غرب «دکترین تهاجم» خوانده می‌شود، ارتش سرخ می‌توانست از تمام کشورهای کمونیستی زیر نام «دفاع از کمونیسم موجود» دفاع و

حراست کند. برژنف در یکی از سخنرانی‌هایش در سال ۱۹۶۸ در کنگره پنجم حزب کمونیست شوروی خلاصه دکترین خویش را چنین بیان کرده بود: «اگر دشمنان داخلی و خارجی سوسیالیسم فکر کنند که می‌توانند حرکت یک کشور به سوی سوسیالیسم را به نفع کاپیتالیسم معکوس سازند و اگر این انگاشت خطری را متوجه سوسیالیسم در کشور خاص سازد، خطر مذکور تنها به عنوان مشکل آن کشور نه، بلکه به عنوان مشکل سراسری سوسیالیستی مورد توجه تمام دولت‌های سوسیالیستی خواهد بود.» بر اساس این دکترین، افغانستان کمونیسم را پذیرفته بود و از این‌که کمونیسم با حیثیت شوروی گره خورده بود، افغانستان به زور شوروی تا آخر کمونیست باقی خواهد ماند. در صورتی که خطری این کمونیسم را تهدید کند، شوروی به کمک و حمایت آن خواهد آمد. در ضمن کمونیست‌های افغانستان الزاماً باید در چنین حالتی از شوروی تقاضای کمک نظامی می‌کردند. برای همین حمله به افغانستان و دفاع از کمونیسم موجود در افغانستان برای شوروی موضوع حیثیتی و اعتقادی بود.

حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان برای افغانستان و شوروی سنگین تمام شد. در جریان جنگ دو دولت (افغانستان – شوروی) با مجاهدین افغانستان، شوروی ۱۵۰۰۰ هزار کشته، بیش‌تر از چهل هزار زخمی و میوب و هزاران نفر گمشده و اسیر به جا گذاشت. نبی عظیمی، نویسنده کتاب «اردو و سیاست» هزینه این جنگ را برای شوروی ۷۰ بلییون دالر شمرده است که بیش‌تر از ۲۵ درصد عواید خالص شوروی در آن زمان بود.

حزب دموکراتیک خلق در سال‌های نخست حاکمیتش با مقاومت سراسری در افغانستان روبه‌رو شد. از سوی دیگر گرفتار نزاع داخلی میان دو شاخه اشعابی (خلق و پرچم) شده بود و سرانجام بزرگ‌ترین متحد سیاسی‌اش، یعنی شوروی نیز پشتش را خالی کرد. این‌گونه بود که فرو ریخت و به تاریخ پیوست. اما سه دهه پس از فروپاشی رژیم کمونیستی، هم‌چنان اثرات منفی آن بر سر مردم افغانستان سایه افکنده است.

این کودتا که به منظور به صحنه‌آوردن کارگران، دهقانان و تهی‌دستان جامعه انجام یافته بود، اما تا آخرین روزهای حکومت‌داری‌اش فضای سیاسی را بسته نگه داشت و هیچ‌گاه دموکراسی را رعایت نکرد و جامعه مدنی را مجال ظهور نداد. مجاهدین به بهانه براندازی این کودتاچیان قیام مسلحانه کردند و بر کابل حاکم شدند. این دشمنان حزب دموکراتیک خلق که بعدها در دولت‌داری ناکام ماندند و گرفتار جنگ و منازعه‌های قومی و فرقه‌ای شدند و در آخر هم هست و بود افغانستان را به باد نیستی دادند، منبع مشروعیت‌شان را تاکنون کودتای حزب دموکراتیک خلق و بی‌خدایی و بی‌دینی آنان می‌دانند.

ارتش سرخ برای از میان برداشتن بنیادگرایی اسلامی، جلوگیری از نفوذ غرب و عربستان و ساختن یک نظام و حکومت کمونیستی وفادار به مسکو به افغانستان حمله کرد؛ ولی هنگامی که افغانستان را ترک می‌کرد، خلاف تمام محاسبات، دولت مورد حمایت و وفادار به شوروی در کابل در حال فروپاشی قرار داشت. بنیادگرایی اسلامی در افغانستان در حال گسترش بود و امریکایی‌ها و عرب‌ها در مرزهای جنوبی آسیای میانه در مقایسه به سال ۱۹۷۹ از نفوذ بیش‌تر برخوردار بودند.

کاهش خشونت یا خلاقیت در کشتار؟

ابوبکر ناجی، استراتژیست القاعده، باید برای آماده‌سازی اجتماع، در مرحله نزدیک به پیروزی انجام شود. ابوبکر ناجی، استراتژیست برجسته القاعده معتقد است که نیروهای جهادی، هنگامی که در مرحله پیروزی می‌رسند، باید به مدیریت توحش بپردازند. ابوبکر ناجی در کتابی که تحت عنوان «مدیریت توحش» در سال ۲۰۰۴ منتشر کرد، به جهادبست‌ها توصیه می‌کند که برای به دست‌آوردن حمایت مردم، باید به آنان نشان دهید که تنها اهل کشتار نیستید؛ بلکه برنامه‌های برای رفاه و آسایش مردم نیز روی دست دارید. به همین دلیل، نشر یک عکس در حالی که جنگ‌جویان تفنگ به دست طالبان را در حال ساختن یک دیوار و در ترمیم جاده‌ای که در اثر ماین‌های خودشان ویران شده نشان می‌دهد، این مسأله را در ذهن مخاطب عام تداعی می‌کند که آن‌ها تنها در پی ویران‌گری نیستند، بلکه می‌توانند به تعبیر برهان‌الدین ربانی «فرشته‌های نجات» نیز باشند.

شلیک‌شدن ده‌ها موشک از یک موتر باربری یا مسافربری در قلب پایتخت، منفرج‌کردن یک چهره مطرح رسانه‌ای که پنج سال است از کار رسانه‌ای فاصله گرفته و شلیک به قلب یک زن در کاپیسا و ننگرهار، نشان از یک خلاقیت در کشتار دارد. خلاقیتی که رعب و وحشت ایجاد می‌کند و راه را برای روی کار آمدن یک دولت سیاه هموار می‌سازد. این حملات که هر کدام آن مانند یک «جیب مادر» در جامعه صدا ایجاد می‌کند، از یک‌سو نفرت و ناراضیاتی از بی‌کارگی در نهادهای حکومتی را در جامعه گسترش می‌دهد و از سوی دیگر موقعیت طالبان را در میز مذاکره و میدان جنگ تثبیت می‌کند.

با این حال، نشانه‌های جنگ پیچیده افغانستان حکایت از این دارد که طالبان خودشان را برنده این جنگ می‌پندارند و با تلاش در مدیریت این مرحله که یک بخش آن خلاقیت در کشتارهای خوینین است، تلاش دارند موانع برپایی امارت را از سر راه حذف کنند.

به دست داعش افتاد و این گروه به صورت غیر قابل باور، شهرهای عراق و سوریه را یکی پی دیگر تصرف کرد.

شبهات دیگر، شیوه‌های کشتار و استراتژی این گروه‌ها در دوام و گسترش ساحات تحت سلطه شان است. تمرکز داعش در عراق، روی ساحات نفتی و شهرهایی دارای منابع اقتصادی بود و تمرکز طالبان در افغانستان نیز تسلط بر معادن، شاهراه‌ها، اخاذی از شرکت‌های تجارتی و آدم‌ریایی است که به منابع مهم عایداتی این گروه تبدیل شده است. به گونه مثال، ولسوالی کران و منجان ولایت بدخشان، بیش‌تر از دو ولایت بامیان و دایکندی که منابع عایداتی ندارد، برای طالبان می‌ارزد.

از آن جایی که ریشه اصلی تفکر جهادبست‌ها از منبع واحد دینی آب می‌خورد، قابل تعجب نیست که بسیاری از روی‌کردهای طالبان در افغانستان، شباهت نزدیک به روی‌کرد القاعده و داعش در عراق و سوریه دارد.

هرچند طالبان از دیر زمانی در تلاش از پا درآوردن شهرها و هسته‌های مرکزی حمایت از دولت افغانستان است، اما با کلید خوردن مذاکرات میان افغانان در دوحه، جنگ و کشتار طالبان، زیر نام «کاهش خشونت‌ها» به شیوه‌های جدیدی ادامه یافته است.

طالبان پس از امضای توافق‌نامه با ایالات متحده که آن‌را پیروزی در جنگ عنوان کردند، برای برداشتن موانع باقی‌مانده جهت احیای دوباره امارت اسلامی، دو سناریو را دنبال می‌کنند: مدیریت توحش و خلاقیت در کشتار.

خلاقیت در کشتار

به نظر می‌رسد که الگوی طالبان در این مرحله، ایده‌های استراتژیست‌های القاعده و شیوه‌های موثر داعش در عراق و سوریه است.

داعش پس از آن‌که موصل، تکریت و بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه را تصرف کرد، دست به کشتارهای گروهی و اعدام‌های علنی مردم زد. جلادهای داعش، عده‌ای را

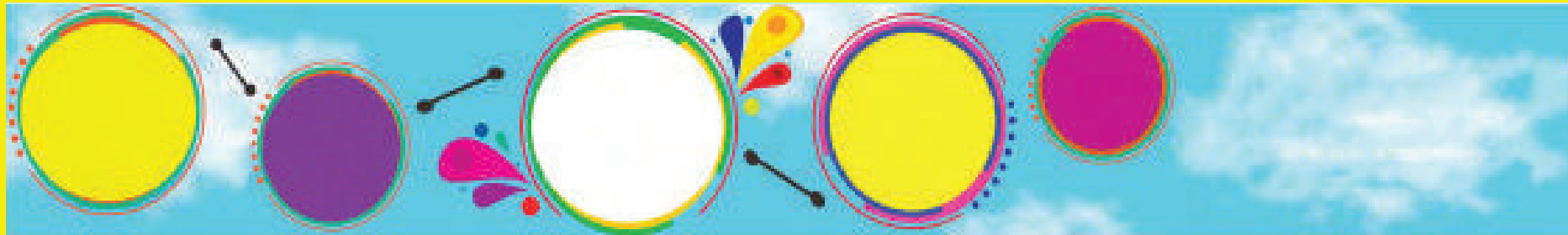
◆ مختار وفايي، روزنامه‌نگار

صبح یکی از روزهای ماه جنوری سال ۲۰۱۴، ساکنان شهر موصل در عراق، در عالم ناباوری، پرچم‌های سیاه داعش را بر در و دیوار شهر دیدند. در شهر، نشانی از نیروهای دفاعی و امنیتی دولت عراق نبود و جنگ‌جویان داعش، سوار بر موترها، در کوچه‌های شهر رژه می‌رفتند. سقوط موصل که یکی از مهم‌ترین شهرهای عراق بود، موقعیت داعش را در اعلام خلافت و دست‌یابی به ثروت عظیم برای توسعه جنگ تثبیت نمود.

ماه‌ها قبل از سقوط موصل به دست داعش، جنگ‌جویان این گروه، حملات چریکی و هدف‌مندی را برای ترور افسران، روزنامه‌نگاران، تاجران و چهره‌های مشهور اجتماعی و سیاسی در موصل و بقیه نقاط عراق آغاز کرده بودند. در کنار این، داعش با استفاده از شبکه‌های اجتماعی از جمله یوتیوب، فیس‌بوک و توییتر، دست به نشر ویدیوهایی از شیوه‌های کشتار می‌زد تا با این کار، از یک‌سو در دل نیروهای وفادار به حکومت عراق و سوریه، رعب و وحشت خلق کند و از سوی دیگر، انسان‌های هم‌سو با تفکر جهادی را به جبهه شان بکشاند. وقتی داعش تصمیم به تصرف موصل گرفت، حدود شش هزار نیروی مسلح از این شهر حفاظت می‌کردند. شهر، بدون درگیری جدی به دست داعش افتاد. چنان‌چه بعداً رسانه‌ها گزارش دادند، نیمی از نیروهایی که گفته می‌شد در موصل حضور دارند، «سربازان خیالی» بودند و تعداد باقی‌مانده هم که به دلیل فساد اداری و براساس خویش‌خوری مقرر شده بودند، تعهدی برای دفاع از مردم و شهر نداشتند.

عراق و افغانستان: دو روایت از یک جنگ

داستان جنگ در عراق و افغانستان از جهات زیادی با هم مشابه است. جدا از این مسأله که دلیل اصلی جهادبست‌ها برای کشتار و جنگ در عراق و افغانستان حضور نیروهای خارجی در کشورهای‌شان است، فساد اداری در دستگاه‌های حکومتی این دو کشور، از شریان‌های اصلی در تقویت این گروه‌ها است. در نتیجه فساد گسترده اداری و طایفه‌گرایی بی‌رویه در عراق، تجهیزات و وسایط پیش‌رفته نظامی ارتش



+93) 700 175 510 / +93) 788 788 799

جهت سفارش آگهی‌تان با شماره‌های روبه‌رو در تماس شوید:

روزنامه ۸ صبح برای توسعه کسب و کارتان صفحه‌ی ویژه تبلیغات ایجاد کرد. روزنامه ۸ صبح به هدف کمک و حمایت از توسعه مشاغل و تجارت، تبلیغات شما را با هزینه کم‌تر و کیفیت بهتر نشر می‌کند. این روزنامه یک صفحه‌ی ویژه تبلیغاتی را به همین منظور راه‌اندازی کرده است. در این صفحه‌ی ویژه به تناسب استطاعت شما فضا وجود دارد. ما با داشتن تیراژ بلند در نسخه‌ی چاپی و مخاطبان حداکثری در پایگاه‌های مجازی‌مان آماده همکاری با مشاغل و کسب‌وکارهای مختلف هستیم تا تبلیغات شما را با مخاطبان خود به اشتراک بگذاریم.

سال سیزدهم
قیمت: ۲۰ افغانی

بهزاد فرنیچر



Email: behzad.dost@gmail.com 0781 700 000

بهزاد فرنیچر کیفیت بهتر

آدرس: چهارراهی بره‌کی، کابل، افغانستان

مؤسسه نشر وازه

پیشرو در امور چاپ، نشر و پخش کتاب



دفتر مرکزی و فروشگاه ۱: کابل، کارته ۳، چهارراه پل سرخ، مارکت تجاری ملی، منزل پایین، نشر وازه
فروشگاه ۲: کابل، پل سوخته، چوک شهید مزاری، مارکت محمدی، نشر وازه
چاپخانه: کابل، شهرک امید سبز، فاز اول، چاپ وازه، پلاک ۲۲
۰۷۸۰۷۴۷۴۲۳۰ - ۰۷۸۰۷۴۷۳۳۶۷

Vazha.Publication NashreVazha VazhaPub

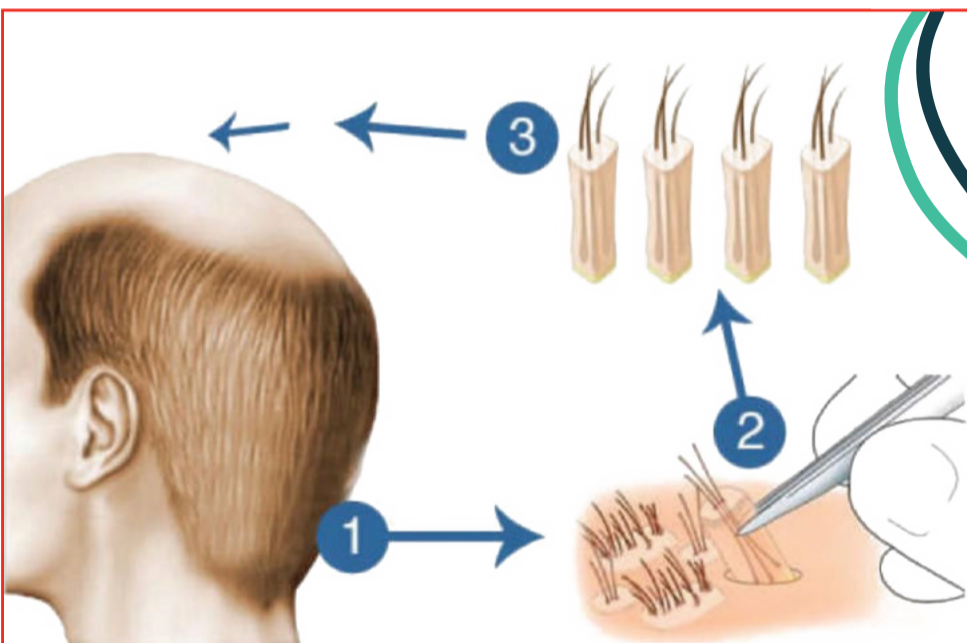
شفاخانه آینه صحت

تخفیف ویژه
۲۸۰۰۰ افغانی

کاشت مو طبیعی به روش FUE

کاشت مو یکی از تداوی‌های عمده و اساسی برای طاسی سر است. در این تداوی موها از ساحات عقب سر یعنی قسمت‌هایی که موها قوی‌تر هستند و مساعد به ریزش نیستند گرفته شده و به قسمت جلو سر یعنی جاهای خالی انتقال داده می‌شود. قبلاً هموطنان ما برای اجرای این عملیه مجبور به سفر به خارج از کشور بودند اما فعلاً این عملیه در داخل کشور با مصارف کمتر قابل اجرا است. تیم مرکز جلدی و زیبایی شفاخانه آینه صحت با سرپرستی داکتر پامیر حسین صالحی، داکتر میوند حبیب و داکتر وحیدالله عاشر، با در نظر داشت شرایط اقتصادی هموطنان ما کاشت مو را با کیفیت عالی و تخفیف ویژه انجام می‌دهد.

آدرس: بین چهارراهی پروان دوم و گل سرخ، شفاخانه آینه صحت
شماره تماس: ۰۷۸۱۲۳۵۰۴۰



BARTARTECH
INNOVATIVE & DIGITAL SOLUTIONS

شرکت خدمات IT
برتر تیک

لیست بهترین خدمات ما

- طراحی وبسایت
- وب هاستینگ و ثبت دامین
- طراحی و توسعه دیتابیس
- ساخت برنامه‌های موبایل
- طراحی و پیاده سازی نتورک
- نصب کامره‌های امنیتی
- بازاریابی از طریق شبکه‌های اجتماعی
- گرافیک دیزاین (لوگو، بروشور، ویزیت کارت...)
- سنو (بالا بردن رتبه سایت در صفحه اول گوگل)

+93777690909

info@bartartech.com

+93787935900

www.bartartech.com

کوته سنگی، گولابی دواخانه، کابل افغانستان

نوی عدالت

Electric co.

پرچون

عمده

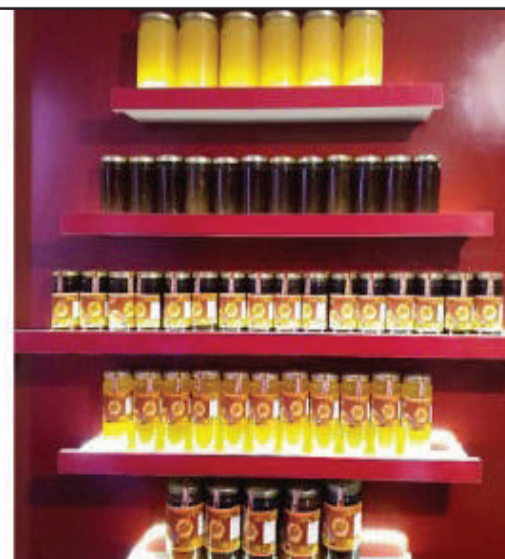
عرضه کننده هر نوع سامان آلات برقی، کیبل جات ایرانی و ترکی
گروپ های کم مصرف LED گروپ های چارچی و بخاری های برقی
با قیمت های مناسب در خدمت همشهریان عزیز قرار دارد



آدرس اول: کابل، کوته سنگی شروع پل هوایی جوار هتل آریانا کابل - مرکز تجاری نظیف
آدرس دوم: کابل، کوته سنگی جوار کوچه حلبی سازی - مارکیت چهاردهی وال
شماره های تماس: 0781776989 - 0744019820 - 0730784449

فروشگاه عسل تاج

صحت و نشاط



پروفایل فروشگاه: www.baba.af/taj

تماس: ۰۷۴۴۳۸۱۳۷۰ / ۰۷۷۹۰۴۹۶۳۰

آدرس: کابل، کارته ۳، پل سرخ، جوار دروازه رضایی ستر

روش‌شناسی نقد حدیث و جدال فقیهان و محدثان

مهران موحد

شیخ محمد غزالی (۱۹۱۷-۱۹۹۶) از فقیهان گران‌مایه ازه‌ری و نویسنده برجسته و نام‌بردار مصری است. او سال‌های درازی در جهت دفاع از داعیه جریان اسلام سیاسی در مصر قلم و قدم زد، هرچند در برهه‌ای از زمان با رهبری سازمان اخوان‌المسلمین درافتاد و از این سازمان بیرون شد. روی‌هم‌رفته او را می‌توان در کنار قرضای از نقش‌آفرینان اصلی در تقویت «وسطیت/ میان‌روی» در جریان اسلام سیاسی در مصر و بیرون از آن به شمار آورد. البته این را هم باید گفت که او با آن‌که به میان‌روی و سعه صدر شهره بود، گاهی به اصول میان‌روی پای‌بندی نشان نمی‌داد و از خشونت و تندروی دفاع می‌کرد. او یکبار در دفاع از قاتلان فرج فوده، اندیشمند و فعال سیاسی مخالف اسلام‌گرایان در مصر، در دادگاه حاضر شد و تلاش ورزید کار خودسرانه آن‌ها را توجیه و تیوریزه کند و جلو مجازات قاتلان را بگیرد.

قلم توانمند و ادیبانه محمد غزالی مایه تحسین است و به جذابیت آثار قلمی‌اش افزوده است. به قول قرضای، اگر غزالی را سرنوشت به سمت فقهات و اسلام نمی‌کشاند، لاجرم ادیب درجه‌اول در حد طه حسین و عباس محمود عقاد می‌شد.

سنت نبوی از منظر فقیهان و محدثان

کتاب‌های پرشماری از شیخ غزالی به یادگار مانده که هر کدام از آن‌ها در جای خود قابل بحث و بررسی است. یکی از این کتاب‌ها، کتابی است به‌نام «السنة النبویة بین اهل الفقه و اهل الحدیث». این عنوان را در ترجمه فارسی کتاب به «نگرش نو در فهم احادیث نبوی» برگردان کرده است. معلوم نیست به چه انگیزه‌ای مترجم فارسی کتاب چنین خطبی را مرتکب شده و نام گویای نسخه عربی کتاب را فرو گذاشته و نام نارسایی را برگزیده است.

انتشار این کتاب در زمانش جار و جنجال راه انداخت و عکس‌العمل‌های متنوع و گسترده را موجب شد، به دو دلیل: یکی به جهت جایگاه مهمی که غزالی در میان جریان اسلام سیاسی احراز کرده و باعث شده بود که جوانان این جریان نوشته‌هایش را چون ورق زره دست به دست کنند و دوم به علت حساس‌بودن سوژه مورد بحث غزالی در این کتاب. قطعاً فقط کسانی همانند محمد غزالی می‌توانند به چنین موضوعاتی بپردازند و شهادت اخلاقی به خرج دهند و خلاف‌آمد عادت اظهار نظر کنند.

مقصود اصلی از نگارش این کتاب، پیرایش اندیشه اسلامی از سوانب و زوائدی است که به‌نام سنت به آن افزوده شده و آن‌را دل‌آزار و ترس‌آور ساخته است. تمرکز اصلی کتاب مورد بحث روی برخورد نادرستی است که مسلمانان با سنت و حدیث در پیش گرفته‌اند و بسیار به آسانی هر چیزی را که به‌نام سنت در کتاب‌ها وجود دارد، می‌پذیرند.

فقیهان و نقد حدیث

غزالی معتقد است که در قبال حدیث و سنت دو روی‌کرد عمده در طول تاریخ اسلام وجود داشته است. یکی روی‌کرد محدثانی که بیش‌تر بر سند حدیث توجه می‌کنند و به محتوا و متن آن چندان نمی‌پردازند و دیگری روی‌کرد فقهایی که کار محدثان را مورد توجه قرار می‌دهند، اما به آن بسنده نمی‌کنند؛ بلکه معیارهای دیگری را در میان می‌آورند و روایات را با محک‌های دیگری می‌آزمایند. او نقد و راستی‌آزمایی روایات را بیش‌تر کار فقیهان می‌داند تا محدثان.

غزالی که خود فقیهی ازه‌ری است، در مقدمه کتاب از دانشگاه الازهر نیز انتقاد می‌کند که در دهه‌های اخیر نقش علمی و رهبری‌کننده خود را از دست داده و میدان را به کم‌سوادان رها کرده است که هر طور دل‌شان خواست عمل کنند و حرف بزنند و برداشت کودکانه و بدوی خود را از عقاید و احکام اسلام آزادانه ترویج و تبلیغ کنند.

به باور غزالی، با مطالعه و خوانش سطحی و گذرای کتاب‌های حدیث نباید این توهم به ما دست دهد که گویا اسلام را به صورت جامع فهمیده‌ایم و به کنه و کائنات آن دست‌رسی پیدا کرده‌ایم، چون به قول شاعر، هزار باده ناخورده در بُن تاک است.

غزالی در همان آغاز کتاب، این نکته را نیز یادآور می‌شود که مسلمانان همواره به جداکردن سره از ناسره در احادیث نبوی اهمیت و ارزش ویژه‌ای قابل بوده و می‌کوشیده‌اند که این میراث گران‌سنگ را از اوهام و جعلیات مصون نگه دارند.

در غربال‌زدن و غث و سمین‌کردن روایات، هم محدثان و هم فقیهان نقش داشته‌اند؛ ولی به نظر غزالی نقش سند و روات حدیث توجه می‌کنند و فقیهان به متن و محتوای آن. مثلاً فقیهان به این می‌پردازند که آیا فلان روایت با قرآن و فطرت سلیم و با روایت‌های موثق‌تر و معتبرتر در تعارض است یا خیر. به اعتقاد غزالی، شناخت معایب محتوایی روایت، شم محققانه می‌طلبد و کاری است که تنها از عهده کسی برمی‌آید که نسبت به محتوای قرآن و دلالت‌های دور و نزدیک آن آگاهی کامل داشته باشد و نیز بر همه روایت‌های منقول احاطه و نیز با زیر و بالا‌های زنده‌گی انسانی آشنایی کامل داشته باشد، تا زمینه برای مقایسه و ترجیح یکی بر دیگری فراهم شود. کار فقیهان در واقع مکمل کار محدثان است و برای پیراستن سنت نبوی از خلل و عیب‌ناکی امری است ضروری.

به باور غزالی، پرداختن به معایب و ناخالصی‌ها در روایات در انحصار محدثان نیست؛ بلکه علمای تفسیر و کلام و اصول و فقه مسوولیت بیش‌تری در این زمینه برعهده دارند و اگر قرار باشد تنها به محدثان در این زمینه اکتفا کنیم، راهی به دهی نخواهیم برد و خوب و بد را به درستی تمیز نخواهیم کرد. او در این‌جا مثالی می‌زند از کار ابن حجر عسقلانی که چون فقیه نبود و محدث بود، گاهی در مقام نقد حدیث لغزش‌های بزرگ مرتکب می‌شد و برای نمونه «حدیث غرائق» را مورد تأیید قرار داد؛ روایتی که بعدها دست‌مایه دشمنان اسلام قرار گرفت و سلمان رشدی کتابش را با توجه به همین روایت «آیات شیطانی» نام‌گذاری کرد و آن‌را مبنای داستان‌پردازی‌اش قرار داد. غزالی در این‌جا می‌نویسد، با آن‌که ابن حجر عسقلانی محدث و شارح حدیث درجه‌یک است، اما چون تنها سند روایت را مورد توجه قرار داده، گرفتار لغزش شده است. پاس‌داران راستین سنت نبوی علمای کلام و اصول و فقه‌اند، نه محدثان.

به نظر غزالی، فاجعه زمانی رخ می‌دهد که جوانک‌هایی از گرد راه نرسیده و عمق مسایل را درنیافته به‌نام دفاع از سنت نبوی بر برخی از فقه‌های اسلام (احتمالاً منظور غزالی امام ابوحنیفه است) می‌تازند و آنان را منکر و مخالف سنت قلمداد می‌کنند. این در حالی است که فقیهان هیچ‌گاه با سنت دشمنی نورزیده‌اند و احادیثی را که از لحاظ محتوایی بی‌عیب و از رهگذر سند صحیح بوده است، نادیده نگرفته‌اند. فقط کاری که کرده‌اند این بوده که نظر به عیب‌ها و علت‌هایی که در حدیث مشاهده کرده آن‌را از رده اعتبار خارج دانسته و به آن عمل نکرده‌اند. به اعتقاد غزالی، این شیوه دقیقاً همان شیوه‌ای است که صحابه نیز در پیش گرفته بودند و بدعت تازه‌ای نیست. حضرت عایشه و حضرت عمر بن خطاب روایتی را که مخالف آیه قرآنی بود، نادیده گرفتند و بی‌اعتبار شمرند. در این راستا امام ابوحنیفه روایتی را که نشان می‌داد مسلمان در برابر کافر قصاص نمی‌شود، رد کرد چون مخالف صراحت عموم قرآن مجید بود که می‌فرمود، «النفس بالنفس». می‌دانیم که فقیهان حنفی عموم و ظاهر قرآن را بر خبر واحد ترجیح می‌دهند. غزالی معتقد است که این برخورد حنفیان با عدالت و موازین حقوق بشری و احترام‌انسان بدون درنظرداشت رنگ و آیین و آزادبودن یا برده‌بودنش سازگارتر است. در این زمینه، غزالی این را هم متذکر شده است که اهل حدیث خونبهای زن را نصف خونبهای مرد می‌شمارند که چنین دیدگاهی به حق از کژی فکر ناشی می‌شود. در این میان، حنفیان ظاهر قرآن را بر خبر واحد مقدم می‌شمارند و خونبهای هر دو جنس را یک‌سان می‌دانند. به نظر غزالی، فقیهان در طول تاریخ رهبری فکری مسلمانان را برعهده داشتند و مردم به رهبری آنان اعتماد می‌ورزیدند. محدثان هم حاصل کار خود را به آن‌ها واگذار می‌کردند تا آنان با آن ساختمانی مناسب بسازند.

غزالی خاطر‌نشان می‌کند که مسلمانان همه‌گی به این نظر اند که عمل به روایتی که صحت آن بر طبق اصولی

شیخ محمد غزالی (۱۹۱۷-۱۹۹۶)

از فقیهان گران‌مایه ازه‌ری و

نویسنده برجسته و نام‌بردار

مصری است. او سال‌های درازی

در جهت دفاع از داعیه جریان

اسلام سیاسی در مصر قلم و قدم

زد، هرچند در برهه‌ای از زمان با

رهبری سازمان اخوان‌المسلمین

درافتاد و از این سازمان بیرون

شد. روی‌هم‌رفته او را می‌توان

در کنار قرضای از نقش‌آفرینان

اصلی در تقویت «وسطیت/

میان‌روی» در جریان اسلام سیاسی

در مصر و بیرون از آن به شمار

آورد. البته این را هم باید گفت

که او با آن‌که به میان‌روی و سعه

صدر شهره بود، گاهی به اصول

میان‌روی پای‌بندی نشان نمی‌داد و

از خشونت و تندروی دفاع می‌کرد.

او یکبار در دفاع از قاتلان فرج

فوده، اندیشمند و فعال سیاسی

مخالف اسلام‌گرایان در مصر، در

دادگاه حاضر شد و تلاش ورزید

کار خودسرانه آن‌ها را توجیه و

تیوریزه کند و جلو مجازات قاتلان

را بگیرد.

که پیشوایان مذاهب وضع کرده‌اند محرز باشد، لازم است. اختلافی اگر پدید می‌آید در این زمینه است که آیا نسبت فلان یا بهمان روایت به پیامبر واقعاً درست است یا خیر.

امام ابوحنیفه یکی از پیشوایان برجسته فکری مسلمانان است که به نقد محتوایی حدیث توجه فوق‌العاده قابل شد و از این بابت انتقادات و دشمنی‌های اهل حدیث را به جان خرید و آماج انواع تهمت‌ها و ناسزاها قرار گرفت.

معیارهای علمی نقد درونی حدیث

سنت نبوی مرجع دوم پس از قرآن برای مسلمانان است؛ ابهامات برخی از مسایل مجمل قرآن را می‌زداید و کلیات آن‌را باز می‌کند و تفصیل می‌دهد و البته در این نکته که آیا احکام مستقل را وضع می‌کند یا خیر میان علما اختلاف است.

سنت نبوی در زنده‌گی مسلمانان در درازای تاریخ نقش بسزا ایفا کرده است. مسلمانان همواره کوشیده‌اند که آموزه‌های نبوی را مشعل راه خود قرار دهند و سیر و سلوک‌شان را بر اساس آن عیار کنند. به همین جهت در گردآوری و نگهداری آن جدیت مضاعف به خرج داده و نسل اندر نسل آن‌را به یکدیگر سپرده‌اند. این کار در دو مرحله در معرض اجرا گذاشته شده است: نخست مرحله جمع‌آوری و تدوین و سپس مرحله ارزیابی و طبقه‌بندی. علمای اسلام در هر دو مرحله معیارهای دقیق و علمی را مبنای کار قرار دادند تا روایت سره را از ناسره جدا کنند. آن‌ها در کنار این‌که به روایان حدیث از نظر راست‌گویی و عدالت و پرهیزکاری و برخورداری از حافظه بی‌عیب توجه داشتند، معیارهایی را مربوط به متن حدیث که می‌توان از آن به «نقد درونی حدیث» تعبیر کرد در نظر گرفته بودند و بر اساس آن به ارزیابی و طبقه‌بندی احادیث می‌پرداختند. هرچند نقد درونی حدیث هیچ‌گاه به اندازه جرح و تعدیل روایان در نزد محدثان از اهمیت و ارزش بهره‌مند نبود. به قول احمد امین، محقق و مورخ مصری «یک‌صدم عنایتی که در کار محدثان نسبت به نقد سند حدیث صورت گرفته نسبت به نقد محتوای آن صورت نیسته است.»

معیارهای مربوط به نقد محتوایی حدیث عبارت است از ناسازگاربودن حدیث با محسوسات، حقایق عینی و علم یقینی، مخالفت با منطق سلیم، تعارض با نص قرآنی یا حقیقت تاریخی یا قاعده پذیرفته‌شده اخلاقی یا سنت متواتر و مقبول. ابن جوزی در این باره سخن مشهوری دارد: «وقتی دیدی حدیثی با عقل یا نقل مخالف است، یا با اصول پذیرفته‌شده در تضاد قرار دارد، بدان که آن حدیث ساخته‌گی است.»

اسماعیل کردی کتابی دارد با نام «نحو تفعلیل قواعد



متن الحدیث» (۲۰۰۸). او در این کتاب در مورد اهمیت نقد درونی حدیث چنین می‌نویسد: «محتوای نصوص و نه سند آن، فقه و شریعت و میراث دینی و فکری و اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ساخته است و همین باعث شده که مذاهب و فرقه‌ها پدید آید». روی این حساب، باید اهمیت بیش‌تری به متن و محتوای روایت‌ها بدسیم تا سند آن‌ها، حال آن‌که فعلاً قضیه بر عکس است.

اگر معیارهای نقد محتوایی حدیث را ملاک قرار دهیم، بسیاری از احادیثی که حتا در معتبرترین کتاب‌های حدیث (مثلاً در کتاب‌های بخاری و مسلم) گنجانده شده نیز ممکن است از درجه اعتبار ساقط شود. طبعاً این اتفاق - اتفاق عجیب و غافل‌گیرکننده‌ای نیست، چون کار بخاری و مسلم و سایر محدثان بی‌عیب و ایراد نیست و ممکن است آن‌ها هم همانند دیگر این‌ای بشر دچار لغزش و خطا شوند.

به اعتقاد شیخ محمد غزالی، یکی از آفت‌هایی که اندیشه اسلامی به آن دچار شده است از این جهت بوده که اهل حدیث حامل و ناقل حدیث بوده‌اند؛ اما کمیت فهم‌شان می‌لنگیده و نمی‌توانسته‌اند که احکام را با واقعیت‌ها منطبق بسازند. به همین جهت کارشان گرفتار نارسایی و نقص بوده است. محدثان تنها به کار جرح و تعدیل سرگرم بوده‌اند، اما استخراج درّ معانی از دریای سنت نبوی و دریافت محتوای روایت‌ها کاری است که اینان از عهده‌اش بر نمی‌آیند و فقط فقیهان می‌توانند در این زمینه خودی نشان دهند.

اهمیت کتاب

محققان مسلمان، کتاب‌های متعددی در زمینه ضرورت نقد کتاب‌های حدیث به رشته تحریر درآورده و در این کتاب‌ها از لزوم خرسندنبودن به کار گذشته‌گان سخن زداند. برای نمونه، رشید رضا و احمد امین و ابو ریه از جمله اشخاصی هستند که در این حوزه کار کرده و نظر داده و واکنش‌های هم‌ساز و ناهم‌ساز را برانگیخته‌اند. با این‌همه، اهمیت کتاب «سنت نبوی از منظر فقیهان و محدثان» در این است که به قلم عالم دین سرشناس و پرآوازه نگاشته شده که در سراسر زنده‌گی‌اش در جهت تحقق ارزش‌های اسلامی تلاش و کوشش به خرج داده است، تا جایی که کم‌تر کسی جرأت می‌کند که اخلاص او را به دین زیر سوال ببرد، یا وی را متهم به آلت فعل استعمار بودن کند.

ملاحظاتی درباره کتاب

تمرکز بیش‌تر کتاب مورد بحث روی مسایلی است که محل توجه و علاقه «جوانان بیدار اسلامی (جریان اسلام سیاسی)» است. نویسنده در جایی یادآور شده که این کتاب را برای اصلاح انحرافات به وجود آمده در این جریان نوشته است. شاید اگر غزالی در هنگام نوشتن این کتاب عموم مسلمانان را مخاطب قرار و موضوعاتی را مجال طرح‌شدن می‌داد که به همه مردم ربط پیدا می‌کرد، سودمندی کتابش افزایش می‌یافت.

سال‌ها پیش وقتی من برای نخستین بار این کتاب را خواندم، از آن بهره فراوان بردم و بعضی از پرسش‌هایی که در ذهنم خلیجان می‌کرد، پاسخ یافت؛ اما به مرور زمان پرسش‌های تازه‌ای در ذهنم ایجاد شد که پاسخ آن در این کتاب یافت نمی‌شد. یکی از این پرسش‌ها، این است که تعریفی که محدثان از «حدیث صحیح» کرده‌اند به جای این‌که تکلیف ما را در این زمینه روشن کند، سردرگمی بیش‌تر به وجود می‌آورد. مثلاً آن‌ها گفته‌اند، راوی باید «عادل» باشد. اما از طرف دیگر می‌بینیم که صدها راوی حدیث وجود دارند که علمای حدیث در جرح و تعدیل آنان دچار اختلاف شده‌اند. سوال اصلی این است که وقتی محدثان در میان خود روی عادل‌بودن یا ناعادل‌بودن روایان هم‌نظر نیستند، چطور از دیگران می‌خواهند که موضوع قابل کشمکش و اختلافی را به عنوان حقیقت مسلم بپذیرند؟ منظورم این است که کار محدثان حتا در همان مرحله ارزیابی سند روایت نیز دچار اشکال است.

پرسش دیگر را این‌گونه می‌توان در میان گذاشت: محققان زمانی که از عیب‌ناکی محتوایی فلان یا بهمان روایت سخن می‌زنند، دقیقاً از چه حرف می‌زنند؟ معرفت بشری خاصیت انباشتی دارد و روز به روز دچار تحول و پیش‌رفت می‌شود. بنابراین، وقتی از نقد درونی حدیث سخن به میان می‌آید، از موضوعی سخن به میان می‌آید که حد یقف ندارد، چون ممکن است به موازات تکامل و توسعه معرفت و دانش بشری عیب‌ها و علت‌های تازه‌ای در محتوای روایت کشف شود. از این‌رو، ممکن است حدیثی که از نظر نسلی از مسلمانان «صحیح» شمرده می‌شود، در نسل‌های بعدی از رده خارج شود و ارزش خود را از دست بدهد. شاید به همین جهت است که می‌بینیم پاره‌ای از روایت‌ها از نظر عقلانیت معاصر پرسش‌برانگیز شناخته می‌شود، حال آن‌که در گذشته پرسشی خلق نمی‌کرده و به آسانی پذیرفته می‌شده است.



شیخ جمهوری خواه؛ مردی که مهاجرت را برزنده‌گی در قلمرو طالبان ترجیح داد



آسیه حفزه‌ای

را کاندیدای انتخابات پارلمانی کرد و در میان ۱۸۰ نامزد انتخابات، با کسب بیش‌ترین رای، وارد مجلس نماینده‌گان شد. برای مدت پنج سال، ریاست کمیسیون عدلی و قضایی ولسی جرگه را برعهده داشت. در سال ۱۳۸۹ شورای عالی صلح به ریاست برهان‌الدین ربانی تاسیس شد و مولوی عطاالله لودین و عبدالحکیم مجاهد به حیث معاونان این شورا کارشان را آغاز کردند. در سال ۱۳۹۲ از سوی حامد کرزی به عنوان والی ننگرهار منصوب شد و در کم‌تر از دو سال ضمن استعفا، به شورای عالی صلح بازگشت، رییس شورا، پیرسیداحمد گیلانی شد و در تشکیلات جدید او به عنوان عضو هیات اجراییه صلح و مشاور ارشد به کارش ادامه داد. در همان دوران ماستری دومش را از دانشگاه دعوت در رشته فقه و قانون اخذ کرد. پس از کرزی، در دوران ریاست جمهوری اشرف غنی، به عنوان سناتور انتخابی به مجلس سنا معرفی شد و در حال حاضر نیز عضو هیات مذاکره‌کننده دولت افغانستان است. وی پس از درگذشت قیام‌الدین کنشاف، به عنوان سرپرست شورای علمای کشور، نیز فعالیت دارد.

مولوی لودین که ادعا دارد با وضعیت متوسط اقتصادی در خانه کزایی در کابل زنده‌گی می‌کند، زمینه تحصیل برای فرزندانش را فراهم کرد. چهار پسر و دو دخترش تحصیلات دانشگاهی دارند و نکته قابل توجه این است که در دل این خانواده مذهبی، دختران لودین فارغ رشته حقوق و طب‌اند. منع تحصیل دختران و قفل زدن به مراکز تعلیمی و تحصیلی، از نخستین اقدامات دوره طالبان بود که امروز یکی موارد اساسی چانه‌زنی در میز مذاکرات برشمرده می‌شود.

لودین که از امیدواری‌ها برای نتیجه رسیدن مذاکرات صحبت می‌کند، معتقد است که حکومت افغانستان با توجه به تدوام جنگ و خشونت و هم‌چنین تلاش ناکام طالبان برای تسخیر کشور با اعمال زور، نتوانست قانون اساسی را به درستی در افغانستان تطبیق، حقوق مردم را تامین و قانون مکافات و مجازات را اجرایی کند.



بروز جنگ‌های داخلی، لودین دوباره وارد جبهه شد. وی که لقب «فرمانده فاتح» را گرفته بود، پس از فتح چند ولسوالی، به شهر جلال‌آباد آمد. در همان زمان عضو «شورای مشرقی» کشور شد؛ شورایی که رهبری آن برعهده حاجی عبدالقدیر بود. لودین در قالب این تشکیلات، به عنوان رییس سارنوالی مرافعه ننگرهار معرفی شد. آتش جنگ هم‌چنان در کابل شعله‌ور بود و گاه شورای مشرقی برای برقراری صلح و ختم جنگ در پایتخت میانجی‌گری می‌کرد. با آغاز حاکمیت طالبان در ۲۲ سنبله ۱۳۷۶ خورشیدی، نظام ننگرهار و شورای مشرقی سقوط کرد. مولوی لودین همراه خانواده از افغانستان خارج شد. او در آن سال‌ها تحصیلاتش در مقاطع لیسانس و ماستری در رشته فقه، علوم اسلامی و عربی را ادامه داد. لودین در سال‌های حاکمیت طالبان در کنار تحصیل، به عنوان یک چهره جهادی سفرهایی به ایران، عربستان سعودی و قبرس داشت. زمانی که طالبان سقوط کرد، لودین در ریاض بود. به دعوت فضل‌هادی شینواری و حاجی عبدالقدیر، به افغانستان بازگشت و دوباره به عنوان رییس مرافعه ننگرهار ایفای وظیفه کرد.

در اسد ۱۳۸۱ رییس عمومی محاکم کابل شد و پس از آن به عنوان رییس عمومی استیناف مرکزی کابل به فعالیتش ادامه داد. در سال ۱۳۸۴ از ننگرهار خود

از جمهوریت در میز مذاکرات دوحه در مقابل امارت قرار گرفته است. خانواده و محیطی که عطاالله لودین در آن رشد یافت، به شدت مذهبی بود. او نیز همین راه را انتخاب کرد. تحصیلات ابتدایی را در ولسوالی کامه و دروس ثانوی را تا صنف دوازدهم در مدرسه نجم‌المدارس به پایان رساند. لودین در آزمون دانشگاه کابل در رشته شرعیات شرکت کرد، اما در همین زمان کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ رخ داد. به گفته خودش، زمانی خبر کامیاب شدنش در دانشکده شرعیات به او رسید که در مهاجرت در پاکستان به سر می‌برد. او زمانی که فقط ۱۶ سال عمر داشت، ازدواج کرد.

سال ۱۳۵۸ بود و نقطه سرآغاز حضور مولوی لودین در جهاد، او ابتدا به عنوان مجاهد عادی در جبهات جنگ حضور داشت و بعدها به عنوان فرمانده یک گروه ۲۰ تا ۳۰ نفره. در سال ۱۳۶۱ خورشیدی، پس از جان باختن پی‌هم فرماندهان جهادی، مسوولیت جبهه بردوش او افتاد. لودین مسوولیت جبهات جنگی در پنج ولسوالی را برعهده داشت؛ تجربه‌ای که در موردش می‌گوید: «دوران عجیبی بود، بسیار فراز و فرودها را دیدم، چه محاصره، چه شهادت‌ها، چه گرسنه‌گی و تشنه‌گی، چه زخم‌ها، چه گرمی و سردی که این یک خود یک داستان مفصل است.» سیاست و جهاد با اعضای خانواده لودین و فعالیت‌های آن‌ها گره خورده بود، آن‌چنان که افزون بر پدرش، شمار زیادی از کاکازاده‌هایش نیز در دوران جهاد در صحنه حاضر بودند.

مولوی شمس‌الرحمان، پدر عطاالله، که بیش از ۵۰ سال سابقه تدریس در مدرسه نجم‌المدارس و لیسه‌های حبیبیه و محمود طرزی را داشت، مدتی استاد لیسه سیدجمال‌الدین افغان بود. در سال ۱۳۶۴ براساس دعوت کشور قطر، به دوحه رفت و در آن‌جا مسوولیت تدریس و امامت را برعهده گرفت. اوضاع اقتصادی‌اش با حمایت قطر از خانواده وی، بهبود یافت. عطاالله لودین تصمیم گرفت در درس را که به دلیل جنگ نیمه‌کاره مانده بود، ادامه دهد؛ اما باز هم نشد.

سال ۱۳۷۱ هم‌زمان با سقوط حکومت نجیب‌الله و

اشاره: هیأت مذاکره‌کننده صلح ۲۱ عضو دارد. آن‌ها مسوولیت سنگینی در زمینه جنگ و صلح افغانستان برعهده گرفته‌اند. آشنایی مردم با آن‌ها، بسیار مهم است. از این رو، روزنامه ۸صبح در نظر دارد تا هریک از اعضای هیأت مذاکره‌کننده صلح را با تهیه شناس‌نامه آن‌ها به مردم معرفی کند. این کار به نوبت و در شماره‌های مختلف انجام خواهد شد.

در میز مذاکرات چه کسانی برای منافع افغانستان چانه می‌زنند؟

مولوی عطاالله لودین یکی از اعضای ۲۱ نفره هیات مذاکره‌کننده دولت افغانستان است؛ سیاستمداری مذهبی که به گفته خودش در دوران طالبان حتا یک شب و روز را هم در افغانستان سپری نکرده است. او که دخترانش در رشته حقوق و طب از دانشگاه فارغ شده‌اند، باور دارد که آموزش حق مشروع زنان است. او از آن‌چه در میز مذاکرات است، حکایت می‌کند: «ما برای منافع علیای مردم، هر گونه محدودیت و حرف‌های مختلف طالبان را در جریان مذاکرات شنیدیم و حوصله کردیم؛ البته این روند هم‌چنان ادامه دارد. طبعاً طالبان شعار زیاد می‌دهند و موارد مختلفی در مورد زنان را مطرح می‌کنند، برای مثال می‌گویند که ما به زنان حق آموزش می‌دهیم و زمینه تعلیم را فراهم خواهیم کردیم. آن‌ها در تلاش هستند در مقایسه با گذشته در روش و شکل کار خود تغییر را نشان دهند، اما معلوم نیست که چه میزان حقیقت داشته باشد.»

به گفته آقای لودین، طالبان فکر می‌کردند که «امارت» از بین رفته این گروه، دوباره احیا شود و سررشته همه امور به دست افراد وابسته به طالبان باشد؛ چنان‌که تقسیم و توزیع قدرت و مناصب به دست طالبان باشد و این گروه تصمیم بگیرد که به چه کسی صلاحیت و مسوولیت اعطا کند. هیأت مذاکره‌کننده دولت اما تقاضای صلحی عادلانه و دایمی را دارد که حقوق هر شهروند در آن محفوظ باشد.

مولوی عطاالله لودین کیست؟

سال ۱۳۴۰ خورشیدی در ولسوالی کامه ننگرهار و در خانه مولوی شمس‌الرحمان کاموی، فرزند متولد شد که در آینده قرار بود راه پرفرازونشینی را در سیاست طی کند؛ سیاستمداری که در دوره طالبان حتا یک روز در افغانستان نبوده، اما امروز به نماینده‌گی

ناچاری باشنده‌گان نیمروز؛ وقتی که موترها با قایق به دل آب می‌روند



خلیل روشان



مشکلات رها کرده است. او به حکومت هشدار می‌دهد که اگر در بودجه سال مالی ۱۴۰۰ خورشیدی، برای قیرریزی جاده‌های ولسوالی‌ها در این ولایت بودجه اختصاص داده نشود، وکلای نیمروز بودجه سال مالی جدید را با هماهنگی برخی نماینده‌گان ولایت‌های غربی کشور، رد می‌کنند.

ولایت نیمروز تا چندی پیش از ولایت‌های درجه سوم کشور بود، اما به دنبال اعتراض مردم و نماینده‌گان این ولایت در مجلس و شورای ولایتی، از ولایت «درجه سوم» به ولایت «درجه دوم» تبدیل شد.

هرچند سایر ولایت‌های کوچک و دورافتاده در غرب کشور نیز از نبود راه‌های مواصلاتی رنج می‌برند، اما نیمروز با این ولایات چند تفاوت بسیار مهم دارد. در جریان سال روان خورشیدی، تنها از گمرک مرزی نیمروز دست‌کم ۱۲ میلیارد افغانی عاید به خزانه حکومت واریز شده است.

بند آب‌گردان کمال‌خان، از پروژه‌های بزرگ زیربنایی برای مهار آب‌های فرامرزی کشور، از دیگر ویژه‌گی‌های مهم نیمروز است. رییس جمهور غنی این آب‌ها را «آبروی کشور» دانست و بر مدیریت آن با ساخت بندهای آب‌گردان تأکید کرد.

با این‌همه، مردم ولایت محروم و دورافتاده‌ای مانند نیمروز، توقع زیادی از حکومتی که سالانه میلیاردها افغانی برایش کسب درآمد می‌کنند، ندارند. خواست آن‌ها، ساخت‌وساز جاده‌های معیاری و راه‌های مردم از شر قایق‌های چوبی برای رفت‌وآمد و انتقال وسایل نقلیه در مسیرهای ارتباطی است.

هزاران نفر برطرف می‌شود. بازرگانان نیمروزی از سختی‌های تردد در مسیر ولسوالی‌ها شکایت دارند و از دولت خواهان رسیده‌گی به این مشکل هستند. عبدالکریم سروری، از فعالان اقتصادی در نیمروز، تأکید دارد که بازرگان‌ها برای انتقال کالاهای تجارتي به ولسوالی‌ها، مشکلات زیادی دارند و در نبود جاده‌های معیاری تردد از مسیرهای کوتاه زمان‌گیر و خطرناک است.

مقام‌های محلی نیمروز می‌پذیرند که ساکنان این ولایت در نبود مسیرهای مواصلاتی، با چالش‌های زیادی دست به گریبان هستند. آنان می‌افزایند که کار طراحی و قیرریزی جاده‌های ارتباطی با ولسوالی‌ها نهایی شده و آنان برای آغاز روند عملی ساخت، منتظر رسیدن بودجه هستند.

فرهاد بلوچ، از مسوولان ریاست فواید عامه نیمروز، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید که قرار است راه‌های ولسوالی‌ها با مرکز ولایت نیمروز به درازای ۵۰ کیلومتر اسفالت شود، اما تاکنون وزارت مالیه برای شروع کار این مسیر بودجه‌ای در نظر نگرفته تا کار عملی آغاز شود. او می‌افزاید که پس از تأیید و پرداخت بودجه برای ساخت ۵۰ کیلومتر مسیرهای ارتباطی، شهر زرنج با ولسوالی‌های چهاربرجک، چخانوسور و کنگ، حدود ۶۰ کیلومتر مسیر ولسوالی چهاربرجک با مرکز نیمروز شامل برنامه ساخت نمی‌شود و نیاز است برای مسیر باقی‌مانده پول بیش‌تری اختصاص پیدا کند.

نماینده‌گان نیمروز در مجلس نماینده‌گان کشور، از بی‌مهری حکومت مرکزی با مردم این ولایت سخت گلایه دارند و رهبران حکومت را به بی‌پروایی در این زمینه متهم می‌کنند. گل‌احمد نورزاد، نماینده نیمروز در مجلس، در گفت‌وگو با روزنامه ۸صبح تأکید می‌کند که حکومت با گذشت ۲۰ سال، برای ساخت جاده‌ها اقدام نکرده و ساکنان نیمروز را با انبوهی از

است که ساکنانش باور دارند به دلیل فاصله جغرافیایی نسبتاً زیاد از مرکز کشور، این ولایت از دید حکومت به دور مانده و در جریان سال‌های گذشته، کار چندانی برای ایجاد زیرساخت‌ها از سوی حکومت انجام نشده است.

برخی فعالان مدنی در نیمروز باور دارند که طی ۲۰ سال گذشته این ولایت مورد بی‌مهری حکومت قرار گرفته و به خواست‌های ساکنانش توجهی نشده است. محمداصداق بلوچ، از فعالان مدنی نیمروز، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید با این‌که مسیرهای مرکز با ولسوالی‌ها بسیار کوتاه است، اما حکومت با وجود درخواست‌های مردم، برای ساخت این مسیرها کاری نکرده است.

ساکنان نیمروز از سختی‌های فصل سرما در این ولایت نسبتاً گرم‌سیر سخن می‌زنند و روایت می‌کنند که در نبود پل و جاده‌های معیاری، با جاری شدن سیلاب‌ها، مجبور اند برای رفت‌وآمد از ولسوالی‌ها به مرکز ولایت، از تراکتور و قایق‌های چوبی استفاده کنند. عبدالحکیم نورزایی، از ساکنان نیمروز، می‌گوید که حکومت باید به این ولایت رسیده‌گی کند و برای رفاه مردم، مسیر ولسوالی‌ها با مرکز را اسفالت نماید.

اعضای شورای ولایتی نیمروز، با انتقاد از حکومت مرکزی، خواهان توجه بیش‌تر به این ولایت‌اند. به باور آنان، اسفالت راه‌های این ولایت با ولسوالی‌ها، مهم‌ترین خواست و نیازمندی مردم است. نعمت‌الله صدیقی، عضو شورای ولایتی نیمروز، به روزنامه ۸صبح می‌گوید که ولسوالی‌های چهاربرجک، چخانوسور و کنگ، حدود ۱۰۰ کیلومتر قیرریزی نیاز دارد. به گفته او، حکومت پس از ۲۰ سال هنوز برای حل مشکلات مردم اقدام نکرده و فاصله ولسوالی کنگ ۱۰ کیلومتر، چخانوسور ۱۲ کیلومتر و چهاربرجک که بند آب‌گردان کمال‌خان نیز در آن موقعیت دارد، حدود ۷۰ کیلومتر است و با ۱۰۰ کیلومتر قیرریزی جاده‌ها، مشکلات

با گذشت ۲۰ سال از نظام کنونی، هنوز هم در ولایت نیمروز از راه‌های معیاری و اسفالت شده خبری نیست و ساکنان ولسوالی‌ها و شهر زرنج، مرکز نیمروز، از این رهگذر رنج می‌برند. کنش‌گران مدنی و اعضای شورای ولایتی در این ولایت، از بی‌مهری حکومت مرکزی سخت شکایت دارند و حکومت را به بی‌پروایی در این زمینه متهم می‌کنند.

آنان باور دارند که با وجود موقعیت مهم راهبری این ولایت در نوار مرزی با ایران و این‌که نیمروز قطب اقتصادی کشور است و سالانه میلیاردها افغانی تنها از گمرک مرزی این ولایت به خزانه حکومت مرکزی سرازیر می‌شود، اما کم‌ترین توجهی به نیازمندی‌های آن نشده است.

برخی بازرگانان و ساکنان ولایت نیمروز هم از نبود راه‌های معیاری از مرکز ولایت به ولسوالی‌ها شکایت دارند و می‌افزایند که در شماری از مناطق به دلیل نبود جاده‌های مواصلاتی و پل‌های معیاری، با سرازیر شدن سیلاب‌ها در زمستان تردد ناممکن می‌شود و وسایل نقلیه با استفاده از قایق انتقال می‌یابند.

نماینده‌گان نیمروز در مجلس نماینده‌گان کشور، به حکومت هشدار می‌دهند که اگر برای ساخت راه‌های معیاری، این ولایت را شامل بودجه سال مالی ۱۴۰۰ نکند، نماینده‌گان حوزه غرب بودجه را تأیید نمی‌کنند. از دید آنان، تمام کارهای طراحی جاده‌های ولسوالی‌ها به مرکز نیمروز نهایی شده، اما از آغاز سال تاکنون برای شروع ساخت این جاده‌ها اقدام نشده است.

از جانب دیگر، مقام‌های محلی در ولایت نیمروز می‌گویند که تمام مراحل طراحی و بررسی‌های ابتدایی پروژه‌های ساخت جاده‌های ارتباطی ولسوالی‌ها با مرکز نیمروز، از سوی وزارت احیا و انکشاف دهات نهایی شده و آنان منتظر بودجه برای آغاز کار عملی هستند.

ولایت نیمروز در جنوب‌غرب کشور از ولایت‌هایی



عبدالناصر نورزاد

بحران امنیتی و سیاسی افغانستان از منظر نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

افغانستان از جمله کشورهایی است که در مورد آن رویکردهای مختلفی وجود دارد و آن را در مجموعه‌های امنیتی گوناگونی قرار می‌دهد. پرسش اصلی نوشتار حاضر، این است که افغانستان در کدام مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار می‌گیرد و چرا متأثر از تمام کمر بندهای امنیتی (مجموعه‌های امنیتی) پیرامونی است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که افغانستان با توجه به نزدیکی جغرافیایی، وابسته‌گی‌های امنیتی، گسترش روابط اقتصادی و وجود الگوهای دوستی و دشمنی با کشورهای جنوب آسیا، در مجموعه امنیتی منطقه آسیای جنوبی قرار می‌گیرد. برای بررسی این فرضیه از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای استفاده می‌شود.

افغانستان داشته است. گروه‌های تروریستی در مقیاس کوچک و بزرگ، ثبات سیاسی افغانستان را به چالش کشیده‌اند. افغانستان در چهار دهه گذشته لانه امنی برای شبکه‌های تروریستی بوده است و این شبکه‌ها رابطه نزدیک با گروه‌های تروریستی در آسیای جنوبی و آسیای مرکزی دارند که امنیت هر دو مجموعه امنیتی را متأثر می‌سازد. قاچاق مواد مخدر از موارد دیگری است که امنیت افغانستان را مختل می‌کند و افغانستان را به بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر در سطح جهان مبدل ساخته است.

روندهای مذکور حاکی از آن است که امنیت افغانستان با تحولات منطقه‌ای گره خورده است و برای دستیابی به امنیت در افغانستان، دولت‌مردان باید امنیت این کشور را به طور گسترده، در سه مجموعه مذکور جست‌وجو کنند. افغانستان به داشتن موقعیت ژئواستراتژیک وصل‌کننده آسیای مرکزی به جنوب آسیا است. کشورهای آسیای مرکزی تلاش دارند تا از انحصار روسیه خارج شوند و از سویی هم پاکستان و هند نیز مانند انرژی آسیای مرکزی هستند که این دو کشور را به هدف مناسب برای کشورهای آسیای مرکزی مبدل می‌کند. دولت افغانستان می‌تواند از این موقعیت استفاده کند و امنیت اقتصادی افغانستان را افزایش دهد.

الگوهای دوستی و دشمنی نیز بر امنیت منطقه تأثیرگذار است. افغانستان نباید به میدان نبرد میان قدرت‌های منطقه مبدل شود. تحلیل دقیق از محیط امنیتی منطقه می‌تواند رمز رسیدن به امنیت باشد و به همین دلیل باید برای رسیدن به امنیت منطقه‌ای دکرترین امنیتی خود را معطوف به موضوعات امنیتی منطقه‌ای ساخت. اگرچه، پویای امنیت داخلی افغانستان در دوران پس از جنگ سرد که به شکل جنگ‌های داخلی تداوم یافت، منجر شده است تا از پیوسته‌گی پویای امنیت دو منطقه جنوب آسیا و خاورمیانه جلوگیری کند و خودش نیز در هیچ‌یک از مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای قرار نمی‌گیرد، اما تحولات بعدی سیاسی و امنیتی این کشور نشان از تأثیرپذیری آن از مجموعه امنیتی جنوب آسیا دارد.

تحولات امنیتی در سطح منطقه نشان می‌دهد که پیوسته‌گی نزدیک و غیر قابل انکار کشورهای ضعیف و دچار بحران مانند افغانستان در منطقه که شدیداً از بحران نامانی و سیاسی رنج می‌برند، متأثر از مجاورت جغرافیایی آن‌ها با مجموعه‌های امنیتی پیرامونی است. وجود رقابت شدید میان کشورهای پیرامونی و ایجاد تنش‌های برخاسته از آن، در واقع شدت و اوج بحران امنیتی افغانستان را در درازمدت نشان می‌دهد. پس برای تحلیل و ارایه پیشنهادها موثر در این زمینه تذکر چند نکته الزامی است: اول، نگاه علمی به مجموعه امنیتی که مکتب امنیتی کپنهاگ آن را پیشنهاد می‌کند و سطح تحلیل را از واحدهای کوچک به بزرگ به گونه قیاسی با در نظر داشت تحولات سیاسی و امنیتی رهنمود می‌شود، تأثیر شگرفی بر ارزیابی و تحلیل وضعیت کشورهای دچار بحران و درمانده‌ای مانند افغانستان دارد. دولت‌مردان افغانستان جدا از مسایل بین‌المللی و تحولات تأثیرگذار آن بر محیط امنیتی افغانستان، باید برآورد علمی و مبتنی بر برداشت‌های واقع‌بینانه از وضعیت امنیتی این کشور و محیط پیرامونی آن داشته باشند. برداشت‌های سنتی و رویکردهای بی‌نتیجه در قبال تشدید بحران امنیتی افغانستان ممکن به ایجاد تحول مثبت در امر تأمین امنیت ملی و انطباق آن با تحولات امنیتی پیرامونی می‌تواند گره‌گشای معضل کنونی در افغانستان باشد. طرح مذکور از یک طرف اگر منجر به ایجاد پویایی و تحرک در عمل‌کرد سیاسی و امنیتی افغانستان در منطقه می‌شود، از طرف دیگر، برآورد علمی آن مبتنی بر درک واقعیت‌های عینی در محیط پیرامونی امنیتی افغانستان خواهد بود تا زمینه را برای تعامل با آن مساعد سازد. سوم، تدوین دکترین دفاعی مبتنی بر اصول روش‌های علمی و در سطح کلان دکترین امنیت ملی. این روش بر علاوه تقسیم‌بندی وظایف برای مقابله با بروز هرگونه چالش امنیتی و سیاسی، باعث می‌شود تا در سه سطح تاکتیکی، عملیاتی و راهبردی، تصویر واضح از وضعیت و برآوردهای امنیتی تازه از آن به دست آید. پس با اطمینان می‌توان گفت که اگر به نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای به عنوان ساده‌ترین راه تحلیل پویای امنیت توجه و واقعیت عینی در تحولات امنیتی در منطقه به اساس آن تخمین شود، می‌توان بر مشکلات سیاسی و امنیتی افغانستان فایز آمد.

از شاهان و سرداران افغان در جهت تضعیف دیگری استفاده می‌کردند.

افغانستان در دوران جنگ جهانی اول و دوم بی‌طرفی اتخاذ کرد؛ اما با پیوستن افغانستان به بلوک شرق در اواخر دهه هفتاد میلادی، معادلات امنیتی در منطقه برهم خورد و افغانستان به مکانی برای تلافی‌جویی ایالات متحده مبدل شد. ایالات متحده با تمویل مجاهدین افغان نقش مهمی در زمین‌گیرکردن شوروی در خاک افغانستان بازی کرد. با پایان جنگ سرد، افغانستان نیز اهمیت ژئوپولیتیک خود را در منطقه از دست داد؛ اما اتفاقات یازده سپتامبر دوباره افغانستان را به مرکز توجه قدرت‌های بزرگ برگشتاند. حضور قدرت‌مند و نظامی آمریکا و متحدانش در افغانستان، این کشور را به محراق توجه بازی‌های امنیتی و سیاسی مبدل کرد که بیش‌ترین فعل و انفعالات امنیتی در محدوده آن اتفاق می‌افتد. به همین منظور برای رسیدن به امنیت پایدار باید نگاه سیاست‌گذاران افغان منطقه‌ای باشد تا جهانی. یعنی برای تأمین امنیت به مفهوم علمی، باید تمام فعل و انفعالات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست‌محیطی و بالاخره امنیتی در منطقه به عنوان مولفه‌های تأثیرگذار بر امنیت افغانستان در نظر گرفته شود و حاصل این برداشت درون‌نگری و بیرون‌نگری عمیقی باشد تا تحلیل‌های برخاسته از آن، درک عمیق از بحران امنیتی و سیاسی را نشان دهد.

پس برای درک بحران امنیتی و سیاسی افغانستان با در نظر داشت مجموعه‌های امنیتی منطقه و تأثیرپذیری این کشور از آن، باید چهار اقدام فوری و عمده را انجام داد: اول، آسیب‌شناسی دقیق از موقعیت افغانستان و تأثیر پویای امنیت بر وضعیت امنیتی و سیاسی آن. دوم، تحلیل و برآورد موثق و عمیق از وضعیت امنیتی منطقه و تأثیرات متقابل تحولات امنیتی - سیاسی آن بر وضعیت امنیتی افغانستان. سوم، پیشنهاد راهکارهایی که بتواند پاسخ‌گوی چالش‌های کنونی امنیتی باشد. چهارم، تلاش در جهت ایجاد دکترین امنیتی و کوشش در جهت هماهنگ‌سازی موضوع امنیت افغانستان با پویای امنیت منطقه. مثلاً در حال حاضر افغانستان به طور ناخواسته به میدان رقابت دو قدرت منطقه‌ای (هند و پاکستان) مجموعه امنیتی جنوب آسیا مبدل شده است. هرازگاهی که افغانستان به سمت هند متمایل شده، واکنش شدید پاکستان را در پی داشته است و از سوی دیگر افغانستان با پاکستان بیش‌ترین خط مرزی را دارد. این خط مرزی طولانی به‌نام دیورند، هر دو کشور را به دو همسایه استراتژیک امنیتی تبدیل می‌کند که به صورت مستقیم از تحولات امنیتی و سیاسی هم‌دیگر متأثر می‌شوند.

از سوی دیگر، وجود گروه‌ها و شبکه‌های تروریستی در آن سوی خط دیورند، تأثیر مستقیم بر امنیت

مرتبط به مکتب کپنهاگ به این عقیده است که برای درک بهتر امنیت باید سطح تحلیل را از سطح جهانی به سطح منطقه‌ای تقلیل داد تا تصویر واضحی از تعاملات امنیتی و سیاسی هر منطقه به دست آید. بوزان، کشورهایی که در یک محدوده جغرافیایی بر روند امنیت و ناامنی بالای یک‌دیگر تأثیرگذار هستند را مجموعه امنیتی منطقه‌ای تعریف می‌کند. این مجموعه امنیتی منطقه‌ای شامل یک سری ویژه‌گی‌هایی است که هر واحد مجموعه امنیتی منطقه‌ای بر اساس آن تعریف و تحولات سیاسی و تعاملات امنیتی‌اش بر مبنای آن تحلیل و ارزیابی می‌شود. در یک نگاه کلی، مکتب کپنهاگ اساساً در جنب مجاورت جغرافیایی، الگوهای دوستی و دشمنی، وجود فرهنگ مشترک اجتماعی، موجودیت یک یا دو قدرت منطقه‌ای و نفوذ یک ابرقدرت از جمله الزامات و جز لاینفک یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای حساب می‌شود. اگر نگاه کلی به موقعیت افغانستان داشته باشیم و تعاملات پیرامونی آن را در نظر بگیریم، در می‌یابیم که این کشور نه تنها شامل هیچ مجموعه امنیتی منطقه‌ای پیرامونی خود به صورت مستقیم و مطلق نمی‌شود، بلکه متأثر از رقابت ناسالم اعضای هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای پیرامونی خود (آسیای مرکزی، سیستم مستقل امنیتی چین، خاورمیانه و جنوب آسیا) است که این کشور را به گونه سخت‌افزاری تحت تأثیر خود قرار داده و به بحران امنیتی و سیاسی آن افزوده است. در حالی که تمام ویژه‌گی‌های یک مجموعه امنیتی را داشته است و به سه کمر بند امنیتی به اساس این ویژه‌گی‌های تعلق می‌گیرد. ولی علی‌رغم آن، وجود تناقض در پویای امنیت موجود و شکل‌گیری متضاد ائتلاف‌ها در منطقه، این نگاه را الزامی می‌سازد تا دیده شود که کدام مجموعه امنیتی منطقه بیش‌تر از لحاظ ماهیت تهدید و ایجاد فرصت‌ها برای افغانستان مقرون‌تر است. در ضمن، باید وضاحت داده شود که چرا افغانستان علی‌رغم مجاورت جغرافیایی با سه کمر بند اولی، نوانسته است نگاه‌های منطقه‌ای بازی‌گران هر کمر بند امنیتی را در جهت ایجاد فرصت‌سازی برای بهبود امنیت خودش جلب کند.

با یک نگاه کلی می‌توان استدلال کرد که تعاملات گذشته حتا قبل از جنگ سرد، پویای امنیت عصر بازی بزرگ، تصویر واضحی از تداخل مولفه‌های موجود را نمایش داده و ایجادات آن را جهت تأثیرگذاری بیش‌تر در این خصوص به نمایش می‌گذارد. پویای امنیت از زمان بازی بزرگ نشان داده است که افغانستان بیش‌تر متأثر از مجموعه امنیتی جنوب و آسیای مرکزی بوده است. در آن زمان افغانستان به عنوان دولت حایل میان هند بریتانوی و روسیه تزاری شناخته شده بود و هرازگاهی انگلیس‌ها و یا هم روس‌ها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای که در عصر حاضر نقش مهمی در تحلیل و تبیین مسایل سیاسی و امنیتی در کشورهای مختلف جهان بازی می‌کند و تصویر خاصی از تعاملات امنیتی و سیاسی آن مناطق ارایه می‌دهد، از اهمیت خاصی بر موقعیت جغرافیایی کشورها مبتنی بر برداشت‌های سیاسی و امنیتی برخوردار است. عنایت وافر بر موقعیت ژئوپولیتیک کشورها، تأثیرپذیری آن‌ها از تعاملات سیاسی و امنیتی پیرامونی و ایجاد چارچوب منظم برای تحلیل و تبیین چالش‌ها و فرصت‌های امنیتی - سیاسی، از زمره دست‌آوردهای نظریه امنیتی منطقه‌ای در عصر حاضر است که این نوع برداشت‌ها، شدیداً تحت شعاع نظریه‌های مطالعات امنیتی (مکتب کپنهاگ) قرار دارد.

در تحلیل حاضر، نظر به خصوصیت پویا و دینامیک سرشت سیاسی و تحول مفهومی در نظریه‌های ژئوپولیتیک و مطالعات امنیت، تلاش می‌شود تا بحران امنیتی و سیاسی افغانستان با در نظر داشت موقعیت ژئوپولیتیک و تأثیرپذیری آن از مجموعه امنیتی منطقه‌ای، واکاوی و حلاجی مختصر گردد و حاصل آن مجموعه پیشنهادهایی باشد که راه بیرون‌رفت از بحران حاضر را نشان می‌دهد. در ضمن، هدف این نوشتار بررسی جایگاه افغانستان در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای است که با تغییر روابط دوقطبی جنگ سرد، مناطق و جایگاه کشورها در آن نقش مهمی در تحلیل‌های امنیتی پیدا کرد؛ اما پژوهش‌گران مختلف درباره جایگاه کشورها در مناطق امنیتی دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

افغانستان از جمله کشورهایی است که در مورد آن رویکردهای مختلفی وجود دارد و آن را در مجموعه‌های امنیتی گوناگونی قرار می‌دهد. پرسش اصلی نوشتار حاضر، این است که افغانستان در کدام مجموعه امنیتی منطقه‌ای قرار می‌گیرد و چرا متأثر از تمام کمر بندهای امنیتی (مجموعه‌های امنیتی) پیرامونی است؟ در پاسخ، این فرضیه مطرح می‌شود که افغانستان با توجه به نزدیکی جغرافیایی، وابسته‌گی‌های امنیتی، گسترش روابط اقتصادی و وجود الگوهای دوستی و دشمنی با کشورهای جنوب آسیا، در مجموعه امنیتی منطقه آسیای جنوبی قرار می‌گیرد. برای بررسی این فرضیه از نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای استفاده می‌شود.

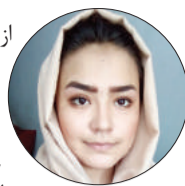
روش آزمون فرضیه، مبتنی بر روش‌های مقایسه‌ای و برهان خلف است. با استفاده از این روش، ابتدا نشان داده می‌شود که با وجود شباهت‌های فراوان افغانستان با کشورهای خاورمیانه، آسیای مرکزی، کمر بند امنیتی مستقل ایجاد شده توسط چین و کمر بند امنیتی جنوب آسیا و عوامل متعددی که سبب می‌شود افغانستان خارج از سه مجموعه امنیتی نخست واقع شود، مورد توجه قرار گیرد. سپس با توجه به شاخص‌های شکل‌گیری مجموعه‌های امنیتی، روابط افغانستان با منطقه آسیای جنوبی و به‌ویژه دو قدرت تأثیرگذار در این منطقه یعنی هند و پاکستان بررسی می‌شود.

یافته‌های این نوشتار حاکی از آن است که با تشدید رقابت هند و پاکستان در افغانستان، حضور این کشور در مجموعه امنیتی آسیای جنوبی به واقعیت نزدیک‌تر است و بیش‌ترین تأثیر را از این مجموعه امنیتی کسب می‌کند. در این خصوص، نظریه‌های ژئوپولیتیک که در شروع سده بیست از اهمیت بسزایی برخوردار بود، با اختراع موشک‌های قاره‌پیما و ظهور نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل عملاً اهمیت خود را از دست داد؛ اما با آن هم مکتب امنیتی کپنهاگ بر اهمیت منطقه و ژئوپولیتیک آن تأکید می‌کند و تحلیل جدیدی را از تعاملات سیاسی، امنیتی و ژئوپولیتیک ارایه می‌دهد که می‌تواند به عنوان مدخلی برای ارزیابی متنی آن حساب شود. گونه شناسی تهدید از منظر این مکتب از نوع نزدیک به معنا که تهدید در مجاورت جغرافیایی قرار دارد، فرض را بر این می‌سازد که این مجاورت جغرافیایی نه تنها زمینه را برای مهار چالش‌ها مساعد می‌کند، بلکه امکان استفاده از فرصت‌ها را نیز مهیا می‌سازد.

باری بوزان، نظریه‌پرداز مشهور مطالعات امنیتی



دفاع تا آخرین نفس؛ خانواده‌ای که سه عضو را یک‌جا از دست داد



هما همتا

از دل قریه‌هایی می‌گذریم که طالبان بر آن‌ها تسلط دارند. هدف ما رفتن به خانه یکی از فرمانده‌های محلی ساکن غرب دریا است. نهر آب از وسط ولسوالی می‌گذرد و شولگره را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌کند. آگهی ختم قرآن را روی دیوار مهمان‌خانه‌اش نصب کرده بودند؛ سه قربانی از یک خانواده. طالبان در پی این‌که حملات‌شان بر ولسوالی شولگره در ولایت بلخ را شدت دادند، دست به ترورهای هدفمند فرماندهان‌های محلی زدند. فرماندهان‌های محلی در روزهای سخت جنگ، شانه‌به‌شانه در کنار نیروهای امنیتی ایستادند تا بتوانند امنیت را به محل‌شان بازگردانند. یکی از این فرماندهان‌ها، نظرگل شولگری است که توسط طالبان در خانه‌اش کشته شد.

چگونه‌گی کشته شدن یکی از کلیدی‌ترین فرماندهان‌های محلی ولسوالی شولگره و فرزندان‌ش، به مزارشریف درز می‌کند. پای این حکایت، ما را به خانه او در ولسوالی شولگره می‌کشد. محمدظاهر نظری، دومین فرزند فرمانده نظرگل است. او اکنون در کنار مردم ایستاده و آرمان‌های پدرش را برای رسیدن به یک صلح سراسری دنبال می‌کند. وقتی می‌گویم برای مصاحبه آمده‌ایم، با پیشانی باز ما را می‌پذیرد و به خانه‌اش دعوت می‌کند.

کشته داده‌اند و تمام داشته‌های‌شان را از دست داده‌اند، اما امیدشان را نه. چند نفر از ما با هیچ و با دست‌های خالی به جنگ برخاسته‌ایم؟ روایت زنده‌گی در افغانستان، جنگیدن با کم‌ترین امکانات در برابر دشمنی است که مجهز با مدرن‌ترین امکانات است.

آقای نظری می‌گوید که ما در طول این سال‌ها نزدیک به صد نفر از دوستان و هم‌سنگران خود را از دست داده‌ایم، اما آن‌چه هیچ‌گاه تغییر نکرده، آرمانی است که سال‌ها پدران ما از آن دفاع کرده‌اند و ما نیز رهرو همان مسیر هستیم و برای دفاع از خاک خود در برابر دشمن می‌ایستیم. به گفته او، تنها خواستی که پدرش داشت، آرامش مردمش بود و تمام این مدت برای تحقق این خواست تلاش کرد.

وی به عنوان فرزند یکی از شهدا، تنها خواستش همین است که در افغانستان صلح و آرامی برقرار شود؛ صلحی که در آن تمام ارزش‌های جدید و دست‌آوردهای پساطالبان حفظ شود. او معتقد است که اگر حاضر به معامله این ارزش‌ها می‌بود، در طول این سال‌ها این قدر جوان قربانی نمی‌داد. به باور آقای نظری، او برای ارزش‌هایی جنگیده است که حالا خط سرخ ما در گفت‌وگوهای صلح با طالبان شمرده می‌شود.

در ایران بوده و با آگاه شدن از این رویداد، سراسیمه به کشور برمی‌گردد و پیکر بی‌جان پدر و برادرانش را بر دوش می‌کشد.

او از پدرش قصه می‌کند. پسر ۱۷ ساله‌ای که با روحیه وطن‌دوستی، در برابر دشمنان وقت می‌ایستد و می‌جنگد. حالا مرد متینی بوده که در دشوارترین روزها، با داشتن کم‌ترین امکانات، برای آرامش مردمش تلاش کرده است. حتا در سال‌هایی که حکومت به آن‌ها توجیهی نداشته، خود با هم‌سنگران‌ش سلاح برداشته و در برابر دشمن ایستاده‌اند.

یک بار دیگر به کسانی که در اطراف ما نشستند، نگاه می‌کند و می‌گوید این اولین بار نیست که ما عزیزان‌مان را از دست داده‌ایم، همه این‌ها عزیزترین افراد خانواده‌شان را در راه دفاع از همین خاک از دست داده‌اند.

به عکس‌هایی اشاره می‌کند که در دیوار مهمان‌خانه نصب است. نظری می‌گوید این عکس‌های عزیزانی است که در طی این مدت آن‌ها را از دست داده‌ایم و تنها جای خالی‌شان برای ما مانده است. در میان عکس‌ها، عکس فرمانده نظرگل نیز دیده می‌شود.

به دنبال حرف‌های او، به دوستان‌ش نگاه می‌کنیم؛ مردان استواری که از سخت‌ترین روزها زنده بیرون آمده‌اند.

جویای حالش می‌شویم. به آدم‌هایی که در اطراف ما هستند، اشاره می‌کند و می‌گوید در تمام روزهای سخت در کنار ما بودند و حالا هم قوت قلب‌شان برای ادامه مسیر هستند. به گفته او، طالبان از دیر زمانی در پی ناامن کردن ولسوالی شولگره بوده‌اند. این ولسوالی بنا بر داشتن مساحت کلان جغرافیایی، یکی از کلیدی‌ترین اهداف طالبان بوده است. طالبان با این دیدگاه، حملات‌شان را در ولسوالی شولگره شدت داده‌اند تا بتوانند با سقوط این ولسوالی، بر ولسوالی‌های هم‌جوار آن نیز تسلط پیدا کنند. در پانزدهم ماه عقرب طالبان با منفجر کردن یک بمب، فرمانده نظرگل و دو پسرش را ترور می‌کنند. در مورد چگونه‌گی حادثه، روایات مختلفی وجود دارد. شاهدان عینی و مردم محل می‌گویند که طالبان با استفاده از یک چرخ‌بال بدون سرنشین، بمب را به خانه فرمانده نظرگل هدایت کرده‌اند. سوال این‌جا است که طالبان چگونه به امکانات مدرن جنگی دسترسی دارند و با استفاده از آن به ترور افراد کلیدی دست می‌زنند؟

در این اتفاق به شمول فرمانده نظرگل و دو پسرش، پنج نفر دیگر نیز جان داده و ۲۵ تن زخم برداشته‌اند. محمدظاهر نظری که حالا پا در جای پای پدر گذاشته، روزی که این اتفاق به وقوع پیوست، در یک سفر رسمی

زنان و موانع ساختاری در اشتغال



مهیا اعلی

دور کردن آنان از موضوعات کلیدی، کسانی خصوصیات ذاتی زن را مورد قضاوت و نقد قرار داده و با استناد به آن زنان را لایق مسوولیت‌های مهم ندانسته‌اند. به گونه مثال، می‌توان به فرصتی که اخیراً از سوی حکومت برای سهم‌گیری و تقرر بانوان در بست‌های معاونت ولایات مساعد شده است، اشاره کرد. این تصمیم سر و صداهای زیادی را برپا کرد و قرار معلوم عده‌ای در تلاش هستند تا با برجسته‌ساختن موضوعات اخلاقی، این فرصت را از بانوان جوان بگیرند و یا محدودیت‌هایی را برای آن‌ها خلق کنند. در شبکه‌های اجتماعی گاه به زنانی که در مشاغل مهم دولتی کار می‌کنند، توهین و تحقیرهای جنسی نیز صورت می‌گیرد.

۳. سقف شیشه‌ای زنان: یکی دیگر از موانع پیش‌رفت زنان در افغانستان، محدودیت مجموعه‌ای از سنت‌ها و عرف‌های ناپسندید مردسالارانه است که سبب شده مانعی به نام سقف شیشه‌ای به وجود آید. سقف شیشه‌ای محدود کردن زنان در بست‌های خاص، اجازه‌ندادن به آنان برای رسیدن به کرسی‌های بلندتر و تعیین‌نمودن میزان پیش‌رفت زنان است. از سوی دیگر به دلیل این‌که تفکر زنان طی سالیان طولانی زیر سایه تفکر مردان بوده است، این سقف شیشه‌ای در اذهان زنان این کشور ریشه گرفته و به باور این قشر تبدیل شده است.

برخوردار هستند و یا بسیاری از زنان در محیط کار خود دسترسی به کودکان و یا جایی برای صرف غذا ندارند. ۲. زن‌ستیزی اجتماعی: باورهای اجتماعی زن‌ستیزانه عامل دیگری است که مانع پیش‌رفت زنان شده است. غیرت، ناموس‌داری و ناقص پنداشتن زنان بخش‌هایی از این باورها است که سبب شده است در مواردی زنان نیز آن را بپذیرند. ناموس‌پنداری ملکیت‌محورانه زنان که حضور زن در جامعه و دیده‌شدن آن را ننگ و بی‌عیرتی به شمار می‌آورد و زن را مانند متاعی در اختیار مرد قرار می‌دهد، نیز تفکری ناپسندیده و نادرست است.

از سویی هم دید سنتی نسبت به زنان باعث شده است تا آنان در جامعه افغانستان موجودات ضعیف هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ عقلی محسوب شوند. به همین دلیل فرهنگ مسلط در این جامعه زنان را لایق کارها و مسوولیت‌های بزرگ نمی‌داند. این طرز فکر سبب شده است تا عده‌ای از مردان هر خطای کوچک از جانب زنان را بزرگ جلوه دهند و آن را به حساب ناقص بودن زن بگذارند. حتا در موارد زیادی دیده شده است که عده‌ای از مردان به خاطر ثابت‌ساختن این موضوع، به خود اجازه دهند که حریم شخصی زنده‌گی یک زن را بشکنند و زنده‌گی شخصی او را مورد قضاوت قرار دهند. هم‌چنان در بخش‌های دیگری به خاطر به حاشیه‌راندن زنان و

زنان در طول تاریخ برای رسیدن به حقوق اولیه‌شان از قبیل برابری با مردان در برابر قانون و داشتن فرصت‌های شغلی، تلاش فراوان کرده‌اند. این تلاش‌ها در کشورهای غربی با موفقیت چشم‌گیر روبه‌رو بوده است؛ اما در خاورمیانه و در افغانستان، زنان به دلیل وجود جوامع شدیداً محافظه‌کار و بسیار منزوی، با موانع بی‌شمار ساختاری روبه‌رو بوده‌اند که سبب شده است از هم‌جنسان غربی خود بسیار عقب‌مانده‌تر باشند. این مقاله سعی دارد تا به سه موضوع عمده که مانع پیش‌رفت زنان در جامعه افغانستان می‌شود، بپردازد: ۱. تسلط فرهنگ مردانه بر محیط کاری، ۲. باورهای اجتماعی زن‌ستیزانه و ۳. موجودیت سقف شیشه‌ای در ذهن زنان.

۱. تسلط مردانه: تسلط فرهنگ مردانه بر محیط کاری باعث شده است تا فرهنگ محیط کاری و حتا طراحی محل کار مردانه باشد. محیط کاری افغانستان دهه‌ها می‌شود که مردانه است. زنان در جلسات کم‌تر فرصت صحبت کردن و تبادل نظر دارند. اگر مورد آزار و اذیت قرار بگیرند، موانع بسیاری در برابرشان قرار دارد تا درباره آن صحبت کنند. هم‌چنان محل کار به گونه‌ای طراحی شده است که برای زنان امنیت نمی‌آفریند. حتا مثلاً دروازه اتاق به گونه‌ای ساخته شده است که از بیرون نمی‌توان درون اتاق را دید و مردان عملاً در محل کار از فضای بیش‌تر

پروژه بازسازی کانال چغرتان تکمیل و به بهره‌برداری رسید

این پروژه از سوی اداره ملی تنظیم امور آب به منظور آبیاری و افزایش زمین‌های زراعتی در ولسوالی انجیل ولایت هرات راه‌اندازی شده است.

با تطبیق این پروژه کانال چغرتان به طول ۱۴ کیلومتر باز سازی شده است که ظرفیت آبیاری آن از ۱،۱۴۱ هکتار به ۱،۳۱۸ هکتار افزایش یافته است، با این حساب کانال متذکره می‌تواند ۱۷۷ هکتار زمین زراعتی را بیشتر از قبل آبیاری کند.

از این کانال به تعداد ۴،۷۰۵ (چهار هزار و هفتصد و پنج) فامیل مستفید می‌شوند.

د چغرتان کانال د بیارغونې پروژې چارې بشپړې او ګټې اخیستې ته و سپارل شوې

دغه پروژه د اوبو د چارو د تنظیم ملي ادارې لخواه د اوبو لګولو او کرنیزو ځمکو څر و یولو په موخه د هرات ولایت په انجیل ولسوالۍ کې په لاره اچولې شوې وه.

د دغې پروژې پلي کولو سره د چغرتان کانال د ۱۴ کیلومتره په اندازه ورغول شو چې د اوبو لګولو ظرفیت یې له ۱،۱۴۱ هکتارو څخه ۱،۳۱۸ هکتارو ته لوړ شو چې په دغه حساب سره یاد کانال به د پخوا په پرتله ۱۷۷ هکتاره زیاته ځمکه څر و یوي.

دغه کانال څخه به ۴،۷۰۵ کورنۍ ګټه پورته کوي.



کار پروژه تحکیمات سواحل قسمت پایینی بند درونته تکمیل شد.

پروژه تحکیمات قسمت پایینی بند درونته از طرف اداره ملی تنظیم امور آب با همکاری مالی پروژه IRDP، به منظور جلوگیری از تخریب سواحل و دیوار اطراف بند درونته در ولسوالی سرخورد ولایت ننگرهار تطبیق گردید.

با تطبیق این پروژه سواحل اطراف بند درونته به طول ۲۴۰ متر تحکیم کاری شده است.

د درونټې بند لاندینی برخې د سیند غاړو تحکیماتو پروژې چارې بشپړې شوې

د درونټې بند د لاندینی برخې د تحکیماتو پروژه د اوبو د چارو د تنظیم ملي ادارې لخواه د IRDP پروژې په مالي لګښت د سیند غاړو او د درونټې بند شا و خوا د پوال ژغورلو په موخه د ننگرهار ولایت په سرخورد ولسوالۍ کې تطبیق شوه.

د دغې پروژې پلي کولو سره ۲۴۰ متره د درونټې بند شا و خوا غاړې تحکیم کاري شوې.



دیر بخش ویدیو: محمدنصیر کاوشگر
خبرنگاران: عبدالاحمد حسینی، محمدحسین نیک‌خواه، خلیل رسولی، هما همتا، الیاس طاهری، زهرا عطایی، احمدشاه شاداب، حفیظ علی خیل، توفان عمری، شعیب حکیمی، پرویز کامروز

ویراستاران: علی نظری، اسحق علی احساس
صفحه آرایی: رضا مرادی

پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۸۷۹۹ Shaparsepehr@gmail.com

نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

نشانی دفتر کابل: تایمنی، کابل، افغانستان

۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صبح ۸
روایت دیروز، آینده امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: مجیب مهرداد

سر دبیر: خلیل اسیر

دیر گزارش‌ها: حسیب بهش

دیر بخش خبر: علی شاه حقمیل

دیر بخش صلح: آسیه حمزه‌ای

دیر رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com

Editor-in-Chief: Mujib Mehrdad
mujib_mehrdad@yahoo.com

Facebook.com/8am.af

Youtube.com/HashteSubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.af_official

www.8am.af



جو بایدن دولت ترمپ را به «سنگ اندازی» در امور کلیدی امنیت ملی متهم کرد

به گزارش رادیو فردا، رئیس جمهور منتخب آمریکا دونالد ترمپ را به «سنگ اندازی» در تماس بین مقامهای دولتی و تیم انتخابی خود در زمینه امور کلیدی امنیت ملی، متهم کرد.

جو بایدن روز گذشته گفت تیم او که به دنبال جمع آوری اطلاعات ضروری برای انتقال قدرت است، با «مانع تراشی» از سوی وزارت دفاع و اداره مدیریت و بودجه روبرو شده است. او اظهار داشت: «در حال حاضر نمی توانیم همه اطلاعاتی که در زمینه امور امنیت ملی لازم داریم را از دولت در حال خروج دریافت کنیم». رئیس جمهور منتخب آمریکا افزود: «این به نظرم قصور کوچکی نیست».

آقای بایدن که در محل سکونت خود در شهر ویلمینگتون ایالت دلوور صحبت می کرد، گفت که او به دنبال «تصویر روشنی» از دولت در حال خروج درباره وضعیت نیروهای آمریکایی در سراسر جهان است. او اظهار داشت که تیم انتخابی اش باید «تصویری کامل از برنامه ریزی در حال انجام در خصوص بودجه وزارت دفاع و سایر آژانس ها دریافت کند تا از هرگونه سردرگمی یا برتری که دشمنان ما ممکن است از آن بهره بگیرند، پرهیز شود».

موضع گیری رئیس جمهور منتخب پس از آن صورت گرفت که او با کاملاً هریس، معاونش، از سوی تیم انتقال قدرت از جمله وزیر خارجه، وزیر دفاع و مشاور امنیت ملی منصوب خود، در زمینه امور امنیت ملی اطلاع رسانی شدند. آقای بایدن گفت تیم او پی برده است که نهادهای امنیتی در دوران ریاست جمهوری ترمپ «صدمات شدیدی دیده اند». او تأکید کرد: «بسیاری از این نهادها از نظر پرسنل، ظرفیت و روحیه افت کرده اند. تمام این مسایل کار را برای دولت ما دشوارتر می سازد تا از مردم آمریکا محافظت کنیم و از منافع حیاتی خود در جهانی که تهدیدات مرتباً در حال تغییر هستند و دشمنان دائماً خود را سازگار می کنند، دفاع کنیم». رئیس جمهور منتخب آمریکا هم چنین در خصوص بازسازی ائتلافهای جهانی گفت که لازم است با تغییرات اقلیمی مبارزه کرد، به همه گیری کووید-۱۹ واکنش نشان داد و با تهدید روبرو شدن چین به مقابله برخاست.

آقای بایدن تصریح کرد: «در حال حاضر خلای عظیمی وجود دارد. ما باید اعتماد و اطمینان جهانی را دوباره کسب کنیم که در حال یافتن مسیرهایی برای کار ما با ما یا بدون ما است».

دونالد ترمپ در دوران ریاست جمهوری اش سیاست «نخست آمریکا» را سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داد که این باعث شد ائتلافها و معاهدههای جهانی تضعیف شود. او پس از باخت به جو بایدن در انتخابات سوم نوامبر، تغییرات در پنتاگون را آغاز و کریس میلر را به عنوان سرپرست وزارت دفاع منصوب کرد.

میلر روز دوشنبه با انتشار بیانیه ای گفت که تلاشهای هماهنگی پنتاگون با تیم انتقالی قدرت «طی سه هفته گذشته از همکاری بین دولت های قبلی فراتر رفته است». او افزود که وزارت دفاع آمریکا ترتیب ۱۶۴ مصاحبه با بیش از ۴۰۰ مقام را داده و بیش از پنج هزار صفحه سند فراهم کرده است که «بسیار فراتر از درخواست اولیه تیم انتقالی بایدن» است.

سرپرست وزارت دفاع آمریکا تصریح کرد که پنتاگون «به صورت شفاف» به همکاری خود ادامه می دهد. تغییرات در پنتاگون در حالی صورت گرفته که تنشها با ایران بالا گرفته و دولت ترمپ حملات اخیر راکتی بر سفارت ایالات متحده در عراق را به ایران نسبت داده است. مقامهای آمریکایی احتمال داده اند که ایران ممکن است در سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران ایران، در حملات پهنای ۱۳ جدی پارسال ارتش آمریکا، دست به حملات تلافی جویانه بزند.

چین و اتحادیه اروپا در آستانه توافق بزرگ تجاری

ترمپ که در زمان او تنش تجاری میان ایالات متحده و چین شدت یافت، دیگر در قدرت نخواهد بود. اخیراً اتحادیه اروپا استراتژی «ترانس آتلانتیک» را منتشر کرد که در آن از ایالات متحده خواسته شده بود تا با «چالش های استراتژیک» برآمده از چین مقابله کند. چین و آمریکا از سال ۲۰۱۸ در جنگ تجاری بوده اند؛ در این مدت دولت دونالد ترمپ بسیاری از شرکت های چینی مرتبط با فن آوری را به ظن «تهدید» بودن آنها برای امنیت ملی ایالات متحده، هدف قرار داد.



دسترسی به بازار انرژی اتحادیه اروپا با توجه به حساسیت این موضوع و نگرانی های مطرح شده درباره «امنیت ملی» کشورهای اروپایی، بوده است. انتظار می رود این توافق به بیجینگ دسترسی به بخش محدودی از صنعت انرژی های تجدیدپذیر بر مبنای رفتار متقابل را بدهد. با این قرارداد احتمالاً موانع سرمایه گذاری در چین برداشته خواهد؛ مواعی نظیر شروط پیش برد پروژه های مشترک تجاری و محدودیت های مالکیت در بعضی صنایع خاص. البته برای نهایی شدن این توافق، پارلمان اروپا باید آن را تصویب کند؛ فرایندی که به نظر نمی رسد تا نیمه دوم سال ۲۰۲۱ آغاز شود.

در سال های اخیر، گزارش هایی حاکی از آن بود که چین تعداد زیادی از مسلمانان اویغور را برای کار اجباری در ولایت سینکیانگ این کشور حبس کرده است؛ این به یک موضوع جنجالی تبدیل شد. چین این گزارش ها را تکذیب کرده است. در توافق احتمالی، از چین خواسته شده تا به قوانین سازمان بین المللی کار درباره «کار اجباری» پایبند باشد.

این اتفاقات در حالی است که از ماه آینده جو بایدن سکان ریاست جمهوری آمریکا را در دست خواهد گرفت و دونالد

در صورت نهایی شدن توافق میان چین و اتحادیه اروپا، شرکت های اروپایی دسترسی بهتری به بخش تولید، ساختمان، تبلیغات، حمل و نقل هوایی و مخابرات چین خواهند داشت.

به نقل از بی بی سی فارسی و براساس گزارش رسانه ها، اتحادیه اروپا و چین به یک توافق بزرگ تجاری نزدیک شده اند. این توافق، که انتظار می رود هفته جاری رسمی شود، به شرکت های اروپایی دسترسی بهتری به بازار چین می دهد و همچنین شرایط رقابت را برای آنها بهتر خواهد کرد.

مذاکرات درباره این توافق تجاری کم تر از هفت سال پیش (در سال ۲۰۱۴ میلادی) آغاز شد، ولی به دلایل متعددی طی این سالها متوقف باقی ماند.

تشدید تنش تجاری میان چین و آمریکا در سال های اخیر، باعث شد که چین در وضعیت بهتری در ارتباط با اتحادیه اروپا قرار گیرد.

براساس گزارش های متعدد رسانه ها، در صورت نهایی شدن توافق میان چین و اتحادیه اروپا، شرکت های اروپایی دسترسی بهتری به بخش تولید، ساختمان، تبلیغات، حمل و نقل هوایی و مخابرات چین خواهند داشت.

یکی از نکات کلیدی در این توافق، درخواست چین برای

نخستین آزمایش «واکسین ایرانی کرونا» روی یک زن انجام شد

همه چیز با موفقیت پیش رود و تأیید آن را هم از سازمان بهداشت جهانی دریافت کنیم، نهایتاً در اواخر بهار بتوانیم واکسین ایرانی کرونا را داشته باشیم».

این زمان بندی طولانی در حالی است که در هفته های اخیر بسیاری از کاربران شبکه های اجتماعی و افکار عمومی در ایران خواستار خرید و وارد واکسین خارجی از سوی دولت شده اند تا با روند مرگ و میر ناشی از ابتلا به این ویروس مقابله شود.

بسیاری از کشورهای اروپایی، آمریکا و اسرائیل کار واکسیناسیون سراسری را برای مقابله با کرونا آغاز کرده اند و انتظار می رود تا تابستان آینده بخش زیادی از جمعیت این کشورها واکسین شوند.

براساس آمار رسمی ارایه شده توسط وزارت بهداشت ایران، تاکنون بیش از ۵۴ هزار نفر در ایران جان خود را بر اثر ابتلا به بیماری کووید-۱۹ از دست داده و نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر به این بیماری مبتلا شده اند.

منتقدان می گویند که شمار بیماران و قربانیان کرونا در ایران بسیار بیش تر از این آمار است. مدیران سازمان نظام پزشکی ایران، آمار قربانیان را سه تا چهار برابر آمار رسمی اعلام شده توسط وزارت بهداشت، برآورد کرده اند.

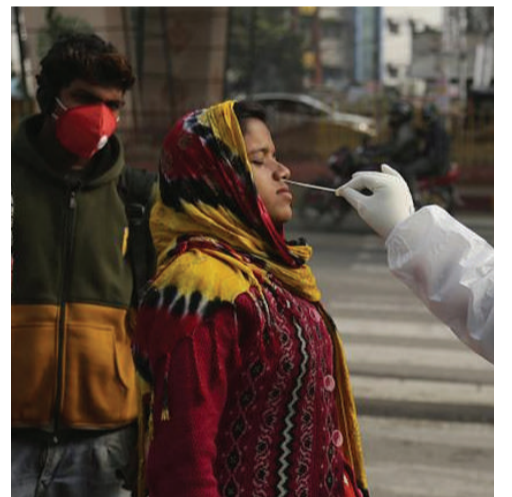
به نقل از رادیو فردا، رسانه های ایران روز سه شنبه، ۹ جدی، خبر دادند که نخستین «واکسین ایرانی» کرونا «با موفقیت» به یک زن تزریق شد.

نام این داوطلب، طیبه مخبر، دختر رئیس «ستاد اجرایی فرمان امام»، اعلام شده است. علی عسگری، معاون اجتماعی ستاد اجرایی فرمان امام، هم دومین داوطلب تزریق این واکسین بوده است. او پس از تزریق واکسین گفته است که «این واکسین کاملاً ایمن است» و «این موضوع ثابت خواهد شد».

ستاد اجرایی فرمان امام از نهادهای اقتصادی زیر نظر رهبر مذهبی ایران است و انحصار تولید ماسک در کشور را در دست دارد.

در حال حاضر، یک شرکت وابسته به این تشکیلات عظیم اقتصادی روی تولید واکسین کرونا کار می کند.

پیش تر مینو محرز، عضو کمیته علمی ستاد مقابله با کرونای ایران، گفته بود که فاز اول آزمایش انسانی «واکسین ایرانی کرونا» قرار است با مشارکت ۵۶ نفر آغاز شود. به گفته او، «در این فاز دو تزریق برای داوطلبان در فاصله دو هفته انجام می شود؛ یعنی ابتدا یک تزریق را انجام می دهند و دو هفته بعد هم تزریق دوم را انجام می دهند». خانم محرز افزوده بود: «اگر



گونه جدید ویروس کرونا به هند رسید

به گزارش یورونیوز فارسی، مقام های بهداشتی هند روز سه شنبه اعلام کردند که شش مورد ابتلا به گونه تازه ویروس کرونا در این کشور ثبت شده است. این در حالی است که هند نیز در کنار شماری دیگر از کشورها، هفته گذشته پرواز به بریتانیا را متوقف کرده بود.

هند با بیش از ۱۰ میلیون مورد تأیید شده ابتلا به ویروس کرونا، در میان کشورهای جهان، پس از ایالات متحده در رده دوم قرار دارد.

گونه تازه ویروس کرونا تا کنون در دست کم ۲۰ کشور دیگر شناسایی شده است که به ترتیب عبارتند از: هالند، دانمارک، فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، سوئیس، سوئد، فنلاند، ایرلند، آلمان، بلژیک، آیسلند، کانادا، جاپان، سنگاپور، هنگ کنگ، کوریا جنوبی و استرالیا.

کارشناسان گفته اند که گونه جدید ویروس کرونا که نخستین بار در بریتانیا شناسایی شد، با سرعت بیش تری منتشر می شود، اما خطرناک تر از نوع شناخته شده آن نیست.

تمامی ویروس ها، جهش پیدا می کنند و ویروس جدید کرونا هم در این قاعده مستثنا نیست. ویروس شناسان برآورد می کنند که این ویروس نیز هر ماه یک تا دو بار تغییر می کند. ساختار گونه تازه ویروس کرونا، در واقع نسبت به ویروس شناخته شده آن ۱۴ تغییر را در خود دارد.

دانش مندان بریتانیایی به تازه گی به دولت این کشور توصیه کرده اند که برای پیش گیری از فاجعه بزرگ تر، در ابتدای سال آینده میلادی باید مجدداً قرنطین و محدودیت های بهداشتی را در سطح ملی برقرار کند.

